



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

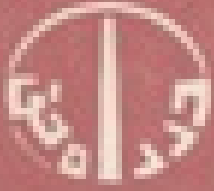
گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

سیر تاریخی



انجیل یونابا

سیر تاریخی
انجیل یونابا

۵

نوشته: حسین توفیقی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیر تاریخی انجیل برنابا

نویسنده:

هیئت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر چاپی:

موسسه در راه حق

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	سیر تاریخی انجیل برنابا
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۴	شناخت نسخه و سیر تاریخی آن
۱۶	برنابا کیست؟
۲۱	تاریخچه اناجیل
۲۱	ایرینایوس و انجیل برنابا
۲۳	شورای لاودکیه
۲۴	قانون نامه ی کلیساهای غربی
۲۴	انجیل برنابا در کتابخانه ی پاپ داماسوس اول
۲۵	نسخه ای روی سینه ی برنابا در قبر
۲۶	جلاسیوس اول انجیل برنابا را تحریم می کند
۲۶	انجیل برنابا در قانون رسولی فوتیوس
۲۷	جلاسیوس دوم
۲۷	کتابخانه ی سکتوس پنجم
۲۷	ترجمه به زبان اسپانیایی
۲۸	تداول انجیل برنابا
۳۰	ترجمه به انگلیسی
۳۰	ترجمه به عربی و پارسی
۳۲	نسخه ی سریانی
۳۲	نسخه ی کتابخانه ی دانشگاه توکیو ژاپن
۳۴	مطالب انجیل برنابا
۳۴	نشری به تعالیم عیسی مسیح علیه السلام

- ۳۷ تعالیم مسیحیت از کجا سرچشمه گرفته است؟
- ۳۸ طومارهای بحرالْمیت
- ۴۴ پولس از نظر برنابا
- ۴۶ انجیل برنابا به پارسایی دعوت می کند
- ۴۷ توحید در انجیل برنابا
- ۴۷ معاد در انجیل برنابا
- ۵۰ انجیل برنابا درباره ی نماز سفارش می کند
- ۵۱ برنابا مسیح را پیامبر می شناسد
- ۵۲ برنابا بر دار رفتن عیسی مسیح را انکار می کند
- ۵۳ انجیل برنابا و چهار انجیل کلیسا
- ۵۶ پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) در انجیل برنابا
- ۵۶ آیا آمدن پیامبر بزرگ اسلام پیشگوئی شده بود؟
- ۵۷ محمد، احمد و تسلی دهنده
- ۵۸ اوصاف دیگر آن حضرت
- ۶۰ تلاش مذبحخانه
- ۶۰ آیا انجیل برنابا به عربی نوشته شده است؟
- ۶۲ بستانی چه می گوید؟
- ۶۳ میلر مسیحی
- ۶۳ قاموس کتاب مقدس چه می گوید؟
- ۶۵ پاسخ به چند اشکال
- ۶۵ آیا انجیل برنابا را تازه مسلمانی نوشته است؟
- ۶۶ اشتباهات نسخه های برنابا
- ۶۸ یوبیل هر صد سال یک بار؟
- ۷۰ مسیا و مسیح ...
- ۷۱ آیا انجیل برنابا انجیل مسیح است؟
- ۷۵ پاورقی ها

۷۸ فهرست

۸۲ درباره مرکز

عنوان قراردادی : انجیل برنابا. فارسی

عنوان و نام پدیدآور : سیر تاریخی انجیل برنابا/ از هیئت تحریریه مؤسسه در راه حق.

مشخصات نشر : [قم]: مؤسسه در راه حق، 1346.

مشخصات ظاهری : 85 ص.

شابک : 30 ریال

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری.

یادداشت : کتابنامه: ص. 82 - 85.

موضوع : انجیل برنابا -- نقد و تفسیر

شناسه افزوده : مؤسسه در راه حق. هیات تحریریه

رده بندی کنگره : BS2900/ب34 1300 ی

رده بندی دیویی : 299/93

شماره کتابشناسی ملی : 1811657

خیراندیش دیجیتال : انجمن مددکاری امام زمان عجل الله تعالی

ویراستار کتاب : خانم نرگس قمی

ص: 1

اشاره

نام کتاب : سیر تاریخی انجیل برنابا

نام نویسنده : از هیئت تحریریه مؤسسه در راه حق

لغت : فارسی

از سری ک ادیان (ه-) شماره 2

شماره مسلسل : 5

چاپ : افست

قطع : رقعی

تعداد صفحه : 72

چاپخانه : سلمان فارسی قم

حروفچینی : خودکار تهران

تاریخ نشر : مرداد ماه 1361 خورشیدی

ناشر : مؤسسه در راه حق قم

نشانی : قم. خیابان ارم. کوچه آقازاده. تلفن 23759-ص. پ 5 و 13

حق تجدید چاپ و اقتباس برای ناشر محفوظ است

ص: 3

سالهاست که دانشمندان شرق و غرب درباره ی «انجیل برنابا» بحث می کنند. این مباحث هر روز چهره یی روشن تر از پیش از این کتاب نشان می دهد و اناجیل رسمی کلیسا را روسیاه تر می کند.

در این جزوه - به خواست پروردگار توانا خلاصه ی آن مباحث و سیر تاریخی کتاب و فشرده یی محتویات آن را، می آوریم. نیز با اشاره یی به گفتار برخی از غرض ورزان مسیحی به پاسخ شبهه های آنان خواهیم نشست. از خداوند مهربان خواستاریم که اندیشه ی ما و خوانندگان گرامی را از هر گونه تعصب جاهلانه پاک گرداند.

نسخه ی اصلی «انجیل برنابا» (THE GOSPEL OF BARNABAS) به زبان ایتالیایی در 222 فصل کوچک و بزرگ و 225 صفحه ی ضخیم در کتابخانه ی در باروین (HOFBIBLIOTHEK IN VIENN) نگهداری می شود. جلد کتاب از مقوای محکمی تهیه شده و روی آن را با چرم سرخ مایل به زرد پوشانیده اند. نقش روی جلد کتاب به گونه یی است که اروپایی ها آن را «نقش واره ای عربی» می نامند، و از این جهت برخی از محققان ادعا می کنند که این تجلید در کشورهای اسلامی صورت پذیرفته، اما برخی دیگر از پژوهشگران بر این عقیده اند که این کار از دو صحاف پاریسی است که شاهزاده ایوجین ساووی (EUGENE OF SAVOY) که بسیار دوستدار کتاب می بوده و چنانکه خواهیم دید «انجیل برنابا» در پایان کار به دست او رسیده - آنان را برای این کار فراخوانده بوده است و آنان به تقلید از صحافی های شرقی کتاب را جلد و صحافی کرده بوده اند (زیرا در قرون

وسطی شرق، مهد علم و فرهنگ بود و دانشمندان غربی دوست می داشته اند که از شرقیان تقلید کنند).

در کنار این نسخه عهدنامه ای است بین دولت عثمانی و حکومت ونیز (VENICE) و جلد آن عهدنامه بسیار به انجیل برنابا شباهت دارد و آن عهدنامه در ترکیه صحافی شده است و از اینجا برخی گفته اند صحافی «انجیل برنابا» نیز کار صحاف همان عهدنامه و مربوط به شرق می باشد بویژه که نقش روی جلد هر دو، به هم شباهت کاملی دارند.

دانشمند مسیحی دکتر خلیل دکتر خلیل سعادت می گوید کسانی که گمان را کرده اند دلیل قانع کننده ای برای اثبات مدعای خود ندارند، علاوه بر اینکه در برخی صفحات «انجیل برنابا» نقش «لنگر کشتی» وجود دارد که متخصصین فن آن را ویژه ی نوعی کاغذ ایتالیایی می دانند.

در حاشیه ی این نسخه جمله هایی به زبان عربی به چشم می خورد که بیشتر آنها از نظر دستور زبان عرب، سراپا غلط است، گرچه جمله های مفصل و صحیح، هم در کنار این نوشته ها وجود دارد.

دانشمندان بر این عقیده اند که نسخه ی ایتالیایی به دست افراد بسیاری رسیده است برخی از ایشان زبان عربی را کاملاً آموخته بوده و برخی آن را درست نمی دانسته اند و از این جهت این غلط های فاحش در نوشته هایشان بهم رسیده است.

این موضوع نشانه ی این مطلب نیز می تواند بود که نسخه ی ایتالیایی مدت مدیدی مورد استفاده ی افراد مختلف می بوده است.

مترجمان انگلیسی و عربی و پارسی عین این حاشیه های عربی را در ترجمه های خود آورده اند.

نخستین کسی که این نسخه را از ظلمات کتابخانه ی پاپ بیرون آورد و در معرض استفاده همگان قرار داد راهب ایتالیایی فرامارینو (FRA MARINO) بود که پس از خواندن آن اسلام آورد. این قضیه در اواخر قرن شانزدهم میلادی اتفاق افتاد، چنانکه پس از این به تفصیل خواهیم نگاشت.

بعضی از دانشمندان احتمال داده اند که حاشیه های عربی هم توسط همین راهب نوشته شده باشد. (1)

درباره نسخه های خطی دیگر کتاب و ترجمه های آن پس از این سخن خواهیم گفت.

برنابا کیست؟

در کتاب «اعمال رسولان» - یکی از کتابهای مقدس مسیحیان - نام اصلی او یوسف (و در بعضی نسخه ها یوسی) ضبط شده و رسولان یعنی حواریان عیسی علیه السلام لقب برنابا او داده اند این لقب مرکب است از «بر» و «نابا» یعنی «فرزند اندرز» یا «فرزند تسلیت».

وی از پدر و مادری یهودی در جزیره ی قبرس Cyprus به دنیا آمد نژاد او به سبط لاوی از اسباط خاندان اسرائیل می رسد.

به عقیده ی مسیحیان وی پس از صعود حضرت عیسی علیه السلام به مسیحیت روی آورده، مزرعه ای در اختیار داشت، آن را فروخت و بهایش را به صندوق عمومی حواریان ریخت و همکاری گسترده یی را با مسیحیان و مبلغان دین تازه، آغازید تا سرانجام

ص: 9

1- در تهیه ی مواد این قسمت از مقدمه ی دکتر خلیل سعادت بر ترجمه ی عربی «انجیل برنابا» استفاده شده است.

لقب «فرزند اندرز» یا «فرزند تسلیت» به او اعطا گردید، و برای تبلیغ مسیحیت به انطاکیه (ANTICH) اعزام شد، او پولس (PAUL) را در این سفر با خود برداشت و در تبلیغ و آوردن کافران به دین مسیح پیروزی شایانی یافت.

در بیشتر مسافرت های تبلیغی، پولس با او همراهی می کرد این دو برای پراکندن بذر مسیحیت در حوزه ی مدیترانه، زحمات زیادی متحمل شدند گرچه در بعضی شهرها نیز با استقبال عموم روبرو می گردیدند از آن جمله در شهر لستره (LYSTRA) مردم از برنابا همانند الهه ی مشتری (JUPITER) و از پولس چونان الهه ی عطارد (MERCURIUS) احترام کردند. مردم شهر شنیده بودند که یک بار در روزگاران دور این دو خداوند (= مشتری و عطارد) به آنجا آمده و مردم آنان را بیرون کرده بوده و به عقوبت الهی گرفتار شده بودند از این روی این بار احترامات لازم را نسبت به آن دو بجای آوردند.

به طوری که در کتاب «اعمال رسولان» آمده است، دوستی این دو مبلغ ادامه نیافت و اختلاف نظرشان سبب جدایی شد. از این جهت برنابا و مرقس (MARK) به قبرس رفتند در صورتی که پولس همراه با سیلاس (SILAS) عازم سوریه و آسیای صغیر شدند.

در شهر سلامیس (SLAMIS) - از بنادر مهم جزیره ی - صومعه ی وجود دارد که راهبان آن می گویند یهودیان سلامیس برنابا را در میدان اسب دوانی شهر سنگ باران کردند و به شهادت رساندند. آنان می گویند جسد وی چهار صد سال پس از این موضوع کشف شد. اکنون قریب ده کلیسا (که هر کدام

مربوط به فرقه ای است) ادعا می کنند که سر او را در اختیار دارند

و یک کلیسا هم مدعی است که جسد او را دارد.

برنابا علاوه بر انجیل یک رساله هم نگاشته که نسخه های متعددی از آن باقی است و نیز چاپ شده است. در برخی از نسخه های قدیمی خطی کتاب مقدس این رساله همراه «عهد جدید» نوشته شده است. و سالهاست که رساله ی او در نظر دانشمندان مسیحی در معرض نفی و اثبات است و علت نفی انتساب آن به برنابا آنست که تعالیم این رساله با تعالیم متداول کلیسا مخالفت دارد، همانطور که «میلر» (MILLER) می نویسد :

«این نوشته ی قدیمی بوسیله ی کلمنت اسکندر به واریجن و مورخین دیگر معاصر او به برنابای رسول رفیق پولس منسوب گردیده است (اعمال رسولان 13 : 2 و غیره) ولی خود رساله در هیچ نکته نشان نمیدهد که بوسیله ی وی نوشته شده باشد و تعالیمش با نوشته های پولس و پطرس چندان تفاوت دارد که علمای بسیار معتقدند که بوسیله ی برنابای رسول نوشته نشده است.»⁽¹⁾

اما بطوری که اشاره شد مسیحیان اقرار دارند که برنابا و پولس اختلاف پیدا کردند و اگر رساله یا انجیل برنابا با تعالیم پولس که در کلیسا رواج دارد مخالف باشد، این موضوع دلیل عدم صحت انتساب این نوشته ها به او نیست، بلکه موضوع را تأیید می کند.

بعضی دانشمندان رساله به عبرانیان را که مؤلفی شناخته شده ندارد، به او نسبت می دهند، رساله ی مزبور ممکن است توسط پولس نوشته شده باشد، همانگونه که در عنوان آن در بعضی

ص: 11

نسخه‌ها اشاره می‌شود و شاید هم توسط شخصی دیگر نوشته شده باشد به هر حال محل اختلاف است.

روز یادبود برنابا در کلیسای کاتولیک یازدهم ژوئن است که مسیحیان کاتولیک مراسمی بر پا می‌دارند و نسبت به او ادای احترام می‌کنند.

یک جمعیت تارک دنیا به نام «گروه برنابیان» در ایتالیا وجود دارد. آنان فعالیت‌هایی در آن کشور و همچنین در فرانسه و اطریش دارند.

آنچه بیان شد شرح مختصری از زندگی برنابا بود به عقیده و گفته‌ی مسیحیان اما اینجا تذکر یک نکته ضروری است:

زندگی برنابا در تاریخ مسیحیت از فروش مزرعه‌اش شروع می‌شود و با اختلافات او با پولس خاتمه می‌پذیرد و حتی موضوع شهادت او مورد قبول عموم مسیحیان نیست. آیا این شخصیت بزرگ که هم‌اورد پولس (یا حتی به طوری که از کتاب اعمال رسولان به دست می‌آید از پولس هم بزرگتر) بوده است چه وقت و چگونه به مسیحیت گروید؟ آیا پس از اختلاف با پولس و مسافرت به قبرس چه کار کرد؟ و آیا رسولان کار کرد؟ و آیا رسولان پس از این قضیه نسبت به این دو چه نظری داشتند؟ و چرا قبرش تا 400 سال پس از مرگ او پنهان ماند؟

.....

اینها پرسش‌هایی است که تاکنون کلیسا پاسخی برای آن نیافته یا نیاخته است، و به زودی خواننده‌ی گرامی علت این بی‌توجهی و سکوت عمیق کلیسا را نسبت به این حواری صدیق مسیح خواهد دانست.

به هر حال برنابا در انجیل خویش خود را یکی از حواریان

دوازده گانه ی مسیح (علیه السلام) می داند (باب 14 آیه 13) و در بسیاری موارد خود را یکی از نزدیکترین یاران آن حضرت قلمداد می کند، و می گوید که مسیح بدو فرموده است تا زندگیش را بنویسد (باب 221) او در اول و آخر انجیلش اظهار می دارد که با پولس مخالف است و تعالیم او را شیطانی می داند.

ما در صفحات آینده بیش ازین درباره ی تعالیم پولس رسول و ارتباط آن با افکار بت پرستان حوزه ی مدیترانه و مخالفت آن با تعالیم تورات سخن خواهیم گفت.

این قسمت پس از مراجعه به منابع ذیل تهیه شده است.

1- اعمال رسولان 4: 36 - 37 و : 20 - 27 و 11: 22 - 30 و 12 : 25 و 13 : 1 - 25 و 14 : 1 - 20 و 15 : 1 - 41

2- رساله ی اول پولس رسول به قرنتیان 9 : 6

3- رساله ی اول پولس رسول به غلاطیان 2: 9 - 1

4- رساله ی اول پولس رسول به کولسیان 4: 10

5- دائرة المعارف بطرس البستانی (به عربی چاپ قدیم) کلمه ی برنابا.

6- تاریخ تمدن ویل دورانت (ترجمه ی فارسی از علی اصغر سروش) ج 1 ص 219 - 222

7- تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران تالیف و. م. میلر (ترجمه ی فارسی چاپ آلمان) ص 45 و 75 و 89 و 106

ص: 13

8- باستانشناسی کتاب مقدس تألیف دکتر جان الدر (ترجمه ی سهیل آذری) ص 171 - 179

9- قاموس کتاب مقدس تألیف مسترها کس (چاپ بیروت 1928) کلمه ی برنابا .

10- انجیل برنابا و مقدمه های آن .

تاریخچه اناجیل

کلمه ی «انجیل» از اوانگلیون (EVANGELION) یونانی گرفته شده و به معنای مژده و بشارت و مقصود از این مژده مژده ی آمدن مسیح علیه السلام است. اکنون در کلیسا کلمه ی انجیل به چهار کتاب تألیف متی (MATTHEW) مرقس (MARK)، لوقا (LUKE)، و یوحنا (JOHN) اطلاق می گردد.

مسیحیان می نویسند که اناجیلی دیگر هم وجود داشته است که آنها قانونی (CANONICAL) نیستند و آنها را به نام اپوکریفال (APOCRYPHAL) می شناسند. برخی از دانشمندان تا یکصد و شصت انجیل نام برده اند که از آن جمله چهار انجیل مذکور و انجیل پطرس و انجیل پولس و انجیل برناباست. چنانکه خواهیم گفت این چهار انجیل در سال 364 توسط شورای لاودکیه رسمی شد و بقیه ی اناجیل، غیرقانونی و اپوکریفی (یعنی پوشیده و مخفی نگهداشته) شناخته گردید.

ایرینایوس و انجیل برنابا

قدیم ترین مدرکی که نام انجیل برنابا در آن به چشم

ص: 14

می خورد نوشته های قدیس ایرینایوس (IRENAEUS) است. وی حدود سال 120 تا 140 میلادی در آسیای صغیر تولد یافت و برای نشر مسیحیت به حدود فرانسه کوچ کرد. او رساله هایی بر رد «غنوصی ها» (1) نوشت که از آن جمله کتاب «رد بر بی دینان» را می توان نام برد. وی حدود سال 202 میلادی در گذشته است.

جرج سیل (GEORGE SALE) مترجم قرآن مجید به انگلیسی در مقدمه ی ترجمه اش می نویسد:

«انجیل برنابا ترجمه ی اسپانیایی ... مقدمه ای دارد که در آن یا بنده ی دستنوشته اصلی، که یک راهب مسیحی به نام فرامارینو بوده است می گوید که وی در مطالعات خود به نوشته ای از ایرینایوس برخورد که در آن بر ضد پولس رسول سخن می گوید و مطالب خود را به انجیل برنابای رسول مستند می نماید، این راهب بسیار مشتاق یافتن این انجیل می گردد این شخص با پاپ سکتوس پنجم (SIXTUS V) دوستی صمیم می گردد. یک روز که آن دو در کتابخانه ی پاپ بودند، عالیجناب پاپ را خواب فرا می گیرد، و او برای اینکه خود را مشغول کند، اولین کتابی را که بر می دارد تا بخواند می بیند که درست همان انجیلی است که می خواسته از این اکتشاف بسیار خوشحال می شود بی درنگ این شی نفیس را در آستین خود می گذارد. و به محض آنکه پاپ از خواب بیدار می شود از او اجازه ی مرخصی می خواهد و در حالی که گنجی گرانها با خود می برد از آنجا بیرون می آید، پس از خواندن آن وی به آیین اسلام می گردد» (2)

ما (از آنجا که در تاریخ آمده است که انجیل غنوصی ها از

ص: 15

-1

-2 مقدمه ی جرج سیل بر ترجمه ی قرآن مجید ص 10.

پولس بدگویی می کند) تصور می کنیم که ایرینایوس در کتابی که بررد آنان نوشته مطالبی هم از انجیل برنابا نقل کرده است تا بحث خود را کامل کند، نه آنکه ایرینایوس خود از پولس بدگویی کرده باشد زیرا قدیس ایرینایوس یکی از شخصیت های شناخته شده ی مسیحیان است و همه به او ادای احترام و از نوشته های او استفاده می کنند اگر او مخالف پولس می بود از چنین احتراماتی برخوردار نمی گردید. گرچه تمام کتابهای این شخص موجود نیست که مراجعه نمایم ولی مسلماً نسخه های خطی آنها، در کتابخانه های مهم واتیکان و دیگر جاها، موجود است.

شورای لاودیکه

کلیسا سعی می کرد اناجیل را به چهار انجیل معروف، منحصر سازد. ایرینایوس - که قبلاً به شرح حالش اشاره شد - در اواخر قرن دوم گفته است «چنانکه بادهای اصلی چهارند و کرویین نیز چهار صورت دارند و خداوند چهار عهد با انسان بست و.... پس اناجیل نیز چهارند» (1)

اما از سوی دیگر، سایر اناجیل روز به روز در جوامع مسیحی انتشار بیشتری می یافت تا اینکه در سال 364 شورایی در لاود کیه (LAODICEA) یکی از شهرهای سوریه تشکیل شد و در آن چهار انجیل معروف که جزو عهد جدید هستند قانونی و سایر اناجیل مجعول شناخته شد (2) که معلوم است انجیل برنابا هم یکی از اناجیل متداول بوده زیرا که انجیل برنابا قبل از آن وجود می داشته است.

ص: 16

1- تاریخ کلیسای قدیم ص 74 .

2- «درباره ی مفهوم انجیل ها» تالیف کری ولف (ترجمه ی محمد قاضی) ص 93 .

نویسنده ی «اظهار الحق» از کتاب اکسیهومو که توسط یکی از دانشمندان بزرگ غرب نوشته شده است نقل می کند که وی در باب پنجم از تتمه کتابش - چاپ شده به سال 1813 ی میلادی در لندن - نام بیش از 60 کتاب و رساله را که به مسیح یا رسولان و قدیسان منسوب می باشد ذکر کرده و از آن جمله است «انجیل برنابا» و گفته است که این کتاب ها توسط بزرگان مسیحیان قدیم به این افراد نسبت داده شده است. (1)

قانون نامه ی کلیساهای غربی

مسیحیان باز هم از اناجیل غیر قانونی دست برداشتند شاید آنان به پند و اندرزهایی که در امثال انجیل برناباست دل بستگی پیدا کرده بودند، از این رو به فرمان شورای لاودکیه گردن نهادند.

دوباره حکم ممنوعیت صادر شد این بار از طرف کلیساهای غربی دستوری به نام «قانون نامه ی کلیساهای غربی» (DECREE

OF WESTERN CHURCHES) صادر گردید. در این قانون نامه، که در سال 382 تنظیم شد، مطالعه ی انجیل برنابا تحریم گردید.

(2)

انجیل برنابا در کتابخانه ی پاپ داماسوس اول

در سال 383 پاپ داماسوس (DAMASUS) نسخه ای از انجیل برنابا به دست آورد، و آن را در کتابخانه ی شخصی خود می داشت.

(3)

احتمالاً این نسخه هنوز هم در واتیکان نگهداری می شود زیرا نسخه های خطی بسیاری از پیش از اسلام در کتابخانه

ص: 17

1- اظهار الحق تألیف ملا رحمه الله هندی (چاپ الدار البیضا) ج 1 ص 285 - 288 .

2- توضیحات ترجمه ی انگلیسی انجیل برنابا (چاپ کراچی 1973) ص 284 .

3- توضیحات ترجمه ی انگلیسی انجیل برنابا (چاپ کراچی 1973) ص 284 .

پاپ‌ها وجود می‌داشته و هنوز هم هست. این نسخه‌ها در جایگاهی مخصوص که هیچ‌کس به جز پاپ نمی‌تواند به آنجا نگاهداری می‌شود و همان جایی است که راهب فرامارینو دوست بسیار خصوصی و صمیمی پاپ سکتوس پنجم بدانجا پای نهاد و گنجی گرانبها یعنی انجیل برنابا را از آنجا برای همه به ارمغان آورد.

نویسنده‌ی تفسیر «المنار» سید محمد رشید رضا می‌گوید شیخ محمد بیرم از یک سیاح انگلیسی نقل کرده است که او در کتابخانه‌ی پاپ در واتیکان به نسخه‌ای از انجیل برخورد کرده است که پیش از بعثت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نگاشته شده و در آنجا از مسیح نقل شده که می‌فرماید «بشارت می‌دهم به فرستاده‌ای پس از من به نام احمد» (1) و این عین عبارت قرآن مجید در این موضوع این موضوع است. (سوره‌ی الص‌ف آیه‌ی 6).

نسخه‌ای روی سینه‌ی برنابا در قبر

در جلد دوم کتاب لاتینی (ACIA SANCTORUM BOLAND) صفحات 422 و 450 (چاپ 1698) نقل شده است که در سال چهارم سلطنت زنو ZENO جسد برنابا کشف شد در حالی که یک نسخه از انجیل او که به خط خودش بود روی سینه‌اش قرار داشت. (2)

برخی از مورخان ادعا می‌کنند که آن نسخه‌ی انجیل متی بوده است و بعضی هم اصل داستان را قبول ندارند. (3)

ص: 18

1- تفسیر المنار (چاپ دوم بیروت) ج 9 ص 297 و مقدمه رشید رضا بر ترجمه‌ی عربی انجیل برنابا.

2- توضیحات ترجمه‌ی انگلیسی انجیل برنابا (چاپ کراچی 1973) ص 284.

3- دائرة المعارف بستانی کلمه‌ی «برنابا».

جلاسیوس اول انجیل برنابا را تحریم می کند

دائرة المعارف انگلیسی ENCYCLOPAEDIA BRITANIACA (چاپ سیزدهم) ج 2 ص 179 - 180 در ماده ی اپوکر یفال لیتر چر (APOCRIPHAL LITERATURE) تعداد زیادی از کتاب های مقدس صدر مسیحیت را که اکنون متروک مانده نام می برد و پنج تای آنها را که عبارتند از انجیل اندریو (ANDREW) و انجیل برنابا و انجیل برتلما و (BARTHOLOEW) و انجیل جیمس (یعقوب) (JAMES) و انجیل تدايوس (THADDAEUS) را جداگانه نام می برد می گوید این پنج انجیل از طرف پاپ جلاسیوس اول ممنوع اعلام شد و پاپ مذکور دستور مخصوصی در این باره صادر کرده است، زیرا باز هم مردم به اناجیل ممنوعه روی می آورده اند! (1)

پاپ جلاسیوس اول (GELASTUS 1) از سال 492 تا سال 496 میلادی شاغل منصب پاپ بوده است یعنی بیش از یکصد سال قبل از بعثت پیامبر بزرگ اسلام.

این موضوع از چاپ های اخیر دائرة المعارف انگلیسی حذف شده است.

انجیل برنابا در قانون رسولی فوتیوس

بستانی که یک دانشمند بزرگ مسیحی است در دائرة المعارف خود ذیل (کلمه ی برنابا) می گوید:

«فوتیوس» در «قانون رسولی» خود کتاب انجیل برنابا را در لیست کتب اپوکریفی (مجعول) قرار داده است.»

فوتیوس (PHOTHIUS) از سال 858 تا 886 مقام اسقفی استانبول را داشت. مدتی از کلیسای کاتولیک جدا شد. او

ص: 19

1- و همچنین دائرة المعارف آمریکائی (ENCYCLOPEDIA AMERICANA) چاپ 1962 (کلمه ی برنابا).

بجتهایی درباره ی الهیات و مجموعه ی قوانینی برای کلیسای یونانی تنظیم کرده است. وی در سال 891 در تبعیدگاه خود در گذشت. (1)

ملاحظه می شود که انجیل برنابا تا اواخر قرن نهم میلادی (قرن سوم هجری) متداول بوده است تا اینکه این اسقف مجدداً تحریم آن را اعلام می دارد.

جلاسیوس دوم

و نیز بستانی می گوید «پاپ جلاسیوس دوم در سال 1118 میلادی انجیل برنابا را تحریم کرد.» در این باره در آینده توضیح مختصری خواهیم داد.

کتابخانه ی سکتوس پنجم

همانگونه که پیش از این نگاشتیم راهب ایتالیایی فرامارینو نسخه ی ایتالیایی انجیل برنابا را از قسمت خاص کتابخانه ی پاپ سکتوس پنجم برداشت و بر اثر خواندن آن مسلمان شد.

سکتوس پنجم از سال 1585 تا 1590 میلادی پاپ بوده است.

ترجمه به زبان اسپانیایی

انجیل برنابا دیگر به کتابخانه ی پاپ باز نمی گردد و پس از چندی توسط یک نفر مسلمان از ناحیه ی اراگون (ARRAGON) در اسپانیا از ایتالیایی به زبان اسپانیایی ترجمه می شود. این مترجم که مصطفی عرنندی (MUSTAFA DE ARANDA) نامیده شده شناخته نیست. (2)

ص: 20

1- المنجد (قسمت اعلام) کلمه ی فوتیوس و کتاب «مختصر التاريخ الكنسی» (چاپ اورشلیم 1889) ص 98-101.

2- مقدمه ی جرج سیل بر ترجمه ی قرآن مجید ص 9/10.

نسخه ی مزبور مدتی نزد جرج سیل مترجم معروف قرآن مجید به انگلیسی بوده است. او آن را چنین توصیف می کند:

« کتاب در قطع خستی متوسط به زبان اسپانیایی به خطی خوانا نوشته شده است اما کمی فرسودگی در آخر آن به چشم می خورد. شامل دویست و بیست و دو فصل به اندازه های گوناگون و دویست و بیست صفحه می باشد و در اول آن متذکر شده اند که توسط یک مسلمان ارآگونی به نام مصطفی عرندی از ایتالیایی ترجمه شده است. مقدمه ای هم دارد که کاشف دستنوشته ی اصلی آن که یک راهب مسیحی به نام فرامارینو بوده، کشف خود را چنین شرح می دهد...» (1)

قبلا این قسمت را نقل کردیم .

تداول انجیل برنابا

پس از کشف نسخه ی ایتالیایی و ترجمه ی آن به اسپانیایی انجیل برنابا در محافل علمی اروپا راه پیدا می کند. دانشمندان درباره ی مطالب و تاریخچه ی آن به گفتگو می نشینند. اما ناگفته نماند که این جریان همانند گذشته باز هم در جهان مسیحیت اطلاعی نداشته اند. حتی ملارحمة الله هندی نویسنده ی «اظهار الحق» که صد سال پیش می زیسته با مطالعات وسیعش در کتاب های مسیحیان، از انجیل برنابا اطلاع نداشته و قسمت هایی از مطالب جرج سیل را از حواشی ترجمه ی قرآن مجید نقل کرده است .

اما در اروپا یک نفر به نام ام. دولامونی LAMONNOYE و دیگری به نام ام. تولند (M.TOLAND) هر یک

ص: 21

مطالبی از انجیل برنابا برای «جرج سیل» نقل می کنند و او آنها را در مقدمه ی مبسوط خود که به عنوان آشنایی با اسلام و قرآن مجید نگاشته است می آورد و نیز در حاشیه ی ترجمه ی قرآن مجید.

سپس شخصی به نام دکتر هلم (DR.HOLME) رئیس دانشکده ی هدلی در همپشایر انگلستان (DECTOR OF HEDLEY IN HAMPSHIRE) نسخه ی اسپانیایی را در اختیار جرج سیل قرار می دهد.

وی نقل می کند که برای او گفته اند مراکشی ها (MORISCOES) در آفریقا نسخه ای از انجیل برنابا به اسپانیایی دارند. (1)

می نویسند که جرج سیل نسخه ی اسپانیایی را پس از مطالعه در اختیار فردی به نام دکتر منکھوس قرار می دهد و او هم آن را به دکتر هویت می دهد و او در کارهای علمی خود از آن بسیار استفاده می برده است.

نسخه ی اسپانیایی پس از این قضیه مفقود می گردد و اکنون معلوم نیست که آیا بکلی از بین رفته یا در کتابخانه های مسیحیان پنهان است.

اما خوشبختانه نسخه ی ایتالیایی که قدیم تر است محفوظ از گذشت زمان به دست یکی از شخصیت های مهم آمستردام (AMSTERDAM) (پایتخت هلند و پس از مرگ آن شخصیت، کتاب به دست شخصی به نام کریمر (CREMER) می رسد. کریمر راهبی مسیحی و مدتی سفیر اطریش در مصر و لبنان بوده است. (تولدش 1828 و در گذشته ی 1889). (2)

ص: 22

1- مقدمه ی ترجمه ی انگلیسی قرآن مجید ص 7 و 8 و مقدمه ی مبسوط ص 58 و ترجمه ی قرآن مجید (حاشیه) ص 38.

2- المنجد (قسمت اعلام) کلمه ی کریمر .

او چهار سال پس از یافتن نسخه ی ایتالیایی آن را به شاهزاده ی اطریش ایوجین ساووی اهدا می کند. ما قبلاً گفتیم که این شاهزاده ی کتاب دوست، دو تن صحاف پاریسی را برای جلد کردن نسخه میطلبد و آنها آن کتاب را به شکل کتاب های شرقی صحافی می کنند. و اکنون هم با همان وضع در کتابخانه ی دربار وین پایتخت اطریش موجود است. (1)

ترجمه به انگلیسی

نسخه ی ایتالیایی در اول قرن مسیحی، حاضر توسط یک تن از دانشمندان مسیحی انگلستان به نام لونسدیل راگ (LONSDALE RAGG) و همسر اولورا (امو رابرت) LURA M. RUBERT به زبان انگلیسی ترجمه شد و به سال 1907 وسیله دانشگاه آکسفورد در چاپخانه ی کلارندان آکسفورد (CLARENDON PRESS IN OXFORD) چاپ و منتشر گردید.

این ترجمه به طور عجیبی نایاب شد و معلوم نشد این همه نسخه ی چاپ شده کجا رفت؟ تا اینکه پس از جستجوی بسیار معلوم شد یک نسخه از آن در موزه ی بریتانیا و یک نسخه هم در کتابخانه ی کنگره آمریکا در واشنگتن موجود است. از روی نسخه ی واشنگتن در سال 1973 در کراچی مجدداً نسخه یی چاپ و منتشر شد. (2)

ترجمه به عربی و پارسی

پس از نشر ترجمه ی انگلیسی نام انجیل برنابا به گوش مسلمانان خورد و از آنجا که انجیل مزبور شامل بشارت های

ص: 23

1- الرحلة المدرسية تأليف مرحوم علامه ی بلاغی و مقدمه ی دکتر خلیل سعادت.

2- توضیحات ترجمه انگلیسی (چاپ کراچی 1973).

صریح و متعدد به بعثت پیامبر بزرگ اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بود و ضمناً مطالبی اخلاقی در برداشت و با عقاید متداول کلیسا مخالفت می کرد مسلمانان بسیار مشتاق بودند که ترجمه عربی آن را در کشورهای اسلامی منتشر سازند. در این بین یک تن دانشمند مسیحی مصری آن را به زبان عربی ترجمه کرد. این دانشمند دکتر خلیل سعادت بود ترجمه ی عربی توسط سید محمد رشید رضا الحسینی به سال 1908 میلادی (1326 هجری قمری) در چاپخانه ی «المنار» مصر منتشر گردید.

پس از انتشار ترجمه عربی، ایرانیان هم می خواستند از این «گنج گرانها» استفاده برند. از این روی یک دانشمند بزرگ پارسی زبان به نام علامه حیدر قلیخان معروف به «سردار کابلی» آن را از عربی به پارسی برگرداند. این مترجم در ترجمه ی خود به ترجمه ی انگلیسی نیز که «مادر» ترجمه ی عربی است مراجعه کرد و مواردی را که مترجم عربی عمداً یا سهواً اشتباه برگردانده بود دریافت و صحیح آن را در ترجمه ی خود آورد.

ترجمه ی مزبور در سال 1341 هجری قمری انجام یافت و به سال 1350 قمری (مطابق 1311 هجری شمسی) در کرمانشاه چاپ شد.

این ترجمه سه مقدمه دارد 1- مقدمه ی دکتر خلیل سعادت مترجم عربی، 2- مقدمه ی سید محمد رشید رضا الحسینی ناشر ترجمه ی عربی، 3- مقدمه ی مرحوم علامه ی سردار کابلی مترجم پارسی. این سه مقدمه (بویژه سوم) بسیار مفید و جالب توجه است. و از نظر روشن شدن تاریخ انجیل برنابا مطالب

خوبی در بردارد .

ترجمه ی فارسی مذکور به سال 1345 شمسی در تهران توسط سید محمد علی صفیر مجدداً چاپ شده است.

ترجمه ی دیگری هم در همین سالهای اخیر از انجیل برنابا به فارسی انجام گرفت که از نظر صحت و دقت به پایه ی ترجمه ی قبلی نیست.

ترجمه های گوناگونی از انجیل برنابا نیز به زبانهای اردو، مالایایی و غیره منتشر شده است.

نسخه ی سریانی

نویسنده ی معروف آقای جلال آل احمد در مقدمه ی کتاب «زن زیادی» اظهار می دارد که یک نسخه ی انجیل برنابا به زبان سریانی نزد دوست کشیش خود دیده است. البته نسخه ی مزبور چون به زبان سریانی است باید یا نسخه ی اصل این انجیل یا کمی قدیم تر از نسخه ی ایتالیایی باشد.

ما از این کشیش محترم تقاضا داریم که خصوصیات نسخه را در اختیارمان بگذارد تا در روشن شدن نقاط ابهام این کتاب مهم و تاریخی خدمتی انجام شده باشد و پیشاپیش سپاس ما را بپذیرند.

نسخه ی کتابخانه ی دانشگاه توکیو ژاپن

یک تن از مسلمانان مقیم ژاپن به نام «مثنی القرطاس» در نامه ای که برای مجله ی مکتب اسلام (سال یازدهم شماره ی اول ص 45 46) فرستاده می نویسد:

«از اخبار جالب آنکه اخیراً سید حسین خان علی از یک

ص: 25

نسخه ی قدیمی از انجیل برنابا در کتابخانه ی توکیو آگاه شد و بلافاصله به خرج خود، بخاطر اهمیت موضوع، از مجموع صفحات

آن عکسبرداری کرد تا این نسخه در دست مسلمانان قرار گیرد»

ما تاکنون از تحقیقات خود درباره ی نسخه ی مذکور چیزی به دست نیاورده ایم، و در انتظار اطلاع بیشتر هستیم. امیدواریم که برادران مسلمان ژاپن به لطف خود خصوصیات نسخه را برای ما فرستاده و ما را ممنون عواطف اسلامی خویش بنمایند.

آنچه بیان شد فشرده ای از تاریخ شگفت «انجیل برنابا» تا امروز بود. در این تاریخچه عموماً استناد ما به کتاب های مسیحیان بوده است. در مقابل، برخی از وابستگان کلیسا، سخنانی گفته اند که در بخشی مخصوص آورده می شود، و آنگاه به زد آن خواهیم پرداخت.

ص: 26

در انجیل آمده است که عیسی مسیح فرمود: «گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل سازم، نیامده ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم. انجیل متی باب 5 فراز 17.

از این فراز در می یابیم که عیسی برای تکمیل شریعت که به دست یهود ناقص و خراب شده بود آمد و هدف آن حضرت تمام کردن آن بود.

قرآن مجید هم این موضوع را نسبت به حضرت مسیح گوشزد می فرماید:

«و آنگاه که عیسی با معجزات روشن آمد فرمود من برای شما حکمت آورده ام تا برخی از آنچه که اختلاف دارید بیان کنم، پس، از کیفی خداوند پرهیزید و فرمانم ببرید. همانا الله پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را پرستید، راه راست تنها این است.» (سوره ی الزخرف آیه ی 63 - 64)

مسیح در تعالیم خود به تورات استناد می فرمود و نقاط

انحراف یهودیان را طبق تورات نشان می داد. آن بزرگ در محکم کردن شریعت موسی می کوشید و مردم را به پارسایی و شایستگی دعوت می فرمود. درود بر او باد در روزی که به دنیا آمد و روزی که از دنیا برود و روزی که برای زندگی دیگر برانگیخته شود. (1)

عیسی خود به احکام تورات پایبند بود و شاگردان راستین او نیز پس از او چنین بودند. پس از آن حضرت حتی زنان مسیحی می دانستند که روز شنبه طبق شریعت باید تعطیل باشد (لوقا 23 : 56).

اصولاً احکام الهی با حکمت ها و فلسفه هایی همراه است که لغو کردن آنها به مخالفت با آن حکمت ها و زیر پا گذاشتن نتیجه ی مطلوب آن می انجامد.

فقط قسمتی از احکام که قابل تغییر و اعتباری است، قابل نسخ (تبدیل یا برداشتن) است. مثلاً گوشت خوک خطرناک و ضررهای روحی و جسمی آن بسیار سخت و جبران ناپذیر است، از این رو هیچ آیینی نمی تواند خوردن آن را تجویز کند. اما حکمی چون قبله که به طرف آن باید نماز خواند جنبه ی اعتباری و سیاسی دارد. زیرا چنانکه معلوم است خدا در قبله گاه ننشسته بلکه در همه جا وجود دارد و همه سو سوی اوست، پس ممکن است به جهاتی گاهی به طرفی و گاهی دیگر به طرفی دیگر باشد که البته باید برای نسخ حکم قبلی به حکم ثانوی غرضی و مقصودی حکیمانه در بین باشد.

همان سال های اولی که مسلمانان به مدینه منوره هجرت کرده بودند از طرف پروردگار حکم آمد که قبله را از طرف

ص: 28

1- اقتباس از قرآن مجید درباره ی آن بزرگوار (سوره ی مریم آیه ی 33).

اورشلیم (بیت المقدس) به طرف مکه تغییر دهند. در حالی که مسلمانان به پیامبر بزرگ (صلی الله علیه و آله و سلم) اقتدا کرده

مشغول نماز بودند، فرستاده ی خداوند با فرمان الهی آمد:

«... رویت را به طرف «مسجد الحرام» (در مکه) بگردان، و ای مسلمانان هر کجا بید رویتان را سوی آن کنید...» (سوره البقرة آیه ی 144).

در تاریخ اسلام اشاره شده است که پس از هجرت مسلمانان به یثرب (مدینه الرسول) یهودیان - که در آن شهر عده شان کم نبود - به مسلمانان زخم زبان می زدند که شما به قبله ی ما نماز می گزارید و کعبه ی خودتان را که به آن طواف می کنید متروک گذاشته اید و مساله ی قبله که جهت گیری مسلمانان به آن مربوط بود برای اسلام و مسلمین بسیار اهمیت و حساسیت داشت.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) گاه و بیگاه رو به آسمان می کردند به نشانه ی آنکه خداوند درباره ی قبله حکمی دهد تا اینکه آیات قبله نازل شد.

باز هم خداوند متعال برای اینکه دهان بدگویان را ببندد توضیح بیشتری راجع به قبله فرمود:

«بزودی کسانی از مردم که نادانند خواهند گفت چه چیزی سبب شد که اینان از قبله ی پیشین خود روی بگردانند؟ ای پیامبر بگو مشرق و مغرب تنها برای «الله» است، و او هر که را بخواهد به راهی راست راهنمایی می فرماید.» (سوره ی البقرة آیه ی 142)

البته اگر حکم ثانوی از طرف خداوند نمی آمد، مسلمانان تا امروز هم که 1400 سال از اسلام می گذرد به طرف «بیت المقدس» نماز می گزاردند و از پیش خود حکمی وضع

نمی کردند. زیرا نمی دانستند که این حکم قابل تغییر و زوال است.

تعالیم مسیحیت از کجا سرچشمه گرفته است؟

در قرن حاضر عده ای از دانشمندان غرب مشاهده کردند که بین عقاید مسیحیان و بودائیان و هندوان تشابه عجیبی یافته می شود.

آنان در مطالعات خود متوجه شدند که عقاید تثلیث (سه گانه پرستی)، فدای مسیح، به دار رفتن او و سایر مسایل اعتقادی مسیحیان عیناً در مذاهب خاور دور و بت پرستان دیگر وجود داشته است و مسیحیان این عقاید را از آنان گرفته اند.

دانشمندان محقق، حتی در برابر جمله هایی از انجیل فرازهای مشابهی در کتابهای بودایی و هند و یافتند که حیرتشان را برانگیخت.

آنان دیدند که حتی القاب «گوسفند خدا»، «فرزند خدا»، «بردارنده ی گناهان»، «فدا شونده» و غیر اینها که به مسیح اطلاق می شود در آن مذاهب نیز هست.

و چون سابقه ی تاریخی آن ادیان بیشتر است، دانشمندان نظر دادند که مسیحیان این عقاید و القاب را از آن ادیان گرفته اند.

کتاب هایی در این باره نگاشته شد. از آن جمله کتابی هم به زبان عربی تألیف گردید که به «الْعَقَائِدُ الْوَتَّيْبَةُ فِي الدِّيَانَةِ النَّصْرَانِيَّةِ» نامیده می شود. مؤلف این کتاب دانشمندی از لبنان به نام «محمد طاهر التنير» است.

طومارهای بحرالْمیت

در سال 1947 در بیابان های فلسطین در ساحل بحرالْمیت طومارهایی کشف شد که جنبشی فکری در تاریخ مسیح و مسیحیت به وجود آورد.

این طومارها که شامل قسمت هایی از کتاب های مقدس و غیر آن است حدود 2000 سال قدمت دارد یعنی در حدود عصر حضرت مسیح علیه السلام نوشته شده است .

دانشمندان پس از مطالعه ی طومارها فهمیدند که آنها به فرقه ای از یهودیان به نام «اسنی ها» (ESSENES) مربوط است. این طایفه در صحراها زندگی می کردند و افکاری عرفانی داشتند و انتظار مسیح اسرائیل را می کشیدند.

آنان نوشته های خود را در کوزه کردند و در غارهایی در «عین گدی» (ENGEDI) در کناره ی دریای میت به ودیعت نهادند و پس از آن به سرنوشتی نامعلوم گرفتار شدند.

کشف این طومارها، انعکاس عجیبی در محافل علمی جهان داشت. در ابتدا برخی آنها را جعلی می پنداشتند و پس آزمایش های فنی ثابت گردید که در عصر مسیح نگاشته شده است.

دانشمندان گفتند طومارهای کشف شده در وادی قمران (VADI QURAN) کناره بحرالْمیت نظریه ی علمی ما را نسبت به مسیح و ابتدای مسیحیت تغییر خواهد داد.

حدود چهار هزار کتاب درباره ی این طومار نوشته شد. از آن جمله کتابی است به نام «مقصود طومارهای بحرالْمیت» (THE MEANING OF THE DEAD SEA SCROLLS) که بسیار

جالب است، در آن کتاب پس از تحقیق درباره ی محتویات طومارهای مذکور چنین آمده است:

«نظریه ای که یک تن مسیحی عامی درباره ی به وجود آمدن مسیحیت اتخاذ می کند آنست که مسیح انجیل خود را تبلیغ کرد، به عنوان مسیح و منجی مرد، از مردگان برخاست و کلیسای مسیحی را تأسیس کرد که در سراسر جهان با فعالیت حواریان انتشار یافت. یا اگر به برانگیخته شدن دوباره معتقد نباشد گوید حواریان با روح عیسی تحریک شدند و کلیسای او را بر مبنای انجیلش تأسیس کردند.

و نیز مسیحی عامی اظهار میدارد که عیسی یک تن یهودی بود که سنن و فرهنگ یهودی را به ارث برده بود. علاوه بر این اظهار می کند که حواریان برداشت هایی از انجیل عیسی داشته و تعالیم او را بسط دادند، و همچنین می گوید که رسولان در اثر آنچه در دوره ی زندگی با عیسی دیده و شنیده بودند و در اثر تجربیات شخصی خود پس از آن دوره، در یافتند که او منجی و پروردگار بشریت و پسر خدا بوده است.

به هر حال، او شکل عقیدت مسیحی را چنین بیان می کند و اصلاً به خاطرش منظور نمی کند که مقدار زیادی از آن پیش از مسیحیت وجود داشته است (شاید به استثنای آنچه پیش از این توسط حضرت موسی و انبیا اظهار شده بود) و نمی داند که بسیاری از آنها به آن مبانی متکی است که در کتاب مقدس یافت نمی شود.

چیزی که عامی نمی داند اما دانشمند می داند این است که در عصر مسیح و پس از آن بت پرستان برای خدایان خود

معتقداتی و نام‌هایی گفتند که عین آنها در عقیدت مسیحیت اظهار شده است. میترا (1) (MITHRAS) منجی بشریت بود، و همین طور تموز (TAMMU) ادونیس (ADONIS) و اوزیریس (OSIRIS) این عقیده که مسیح به عنوان منجی (فادی) شناخته شود - که سرانجام در مسیحیت وارد شد - یک اعتقاد یهودی نبود و مسیحیان اولیه در فلسطین هم به آن معتقد نبودند.

آن مسیحی که یهودیان و مسیحیان یهودی الاصل انتظار می‌کشیدند پسر خدا نبود بلکه پیامبری از طرف خدا بود کسی نبود که خوش کفاره گناهان دیگران شود بلکه می‌خواست از راه ایجاد حکومت مسیحایی بر روی زمین مردم را نجات بخشد. مسیحیان یهودی الاصل به نجاتی که ایشان را اجازه‌ی دخول در آسمان دهد چشم ندوخته بودند بلکه به نجاتی که نظام جدیدی روی زمین تأسیس کند، اعتقاد داشتند و این مطلوب آنان بود، گرچه به فناپذیری و جاودانگی معتقد بودند.

در زمانی عقیدت مسیحیت بین بت پرستان رواج یافت که عقیده‌ی به عیسی به عنوان خدای نجات دهنده پدیدار گشت. این عقیده کاملاً بر آنچه که پیش از آن بود بویژه میترا منطبق می‌گردد. همین 25 ماه دسامبر (انقلاب شتوی) سالروز تولد میترا بود که توسط مسیحیان بت پرست، سالروز تولد عیسی شد. حتی روز سبت (شنبه) یعنی هفتمین روز یهودیان که توسط خداوند در شریعت موسی (تورات) مشخص شده و خداوند آن را تقدیس کرده است که پس از آفرینش مخلوقات، در آن روز استراحت نمود زیر قدرت افکار میتراپی به روز اول (یکشنبه)

ص: 33

1- میترا در پارسی باستان «مهر» بوده است که نام الهه‌ی خورشید است.

که روز خورشید فاتح است، تبدیل شد.

در زمان گسترده شدن مسیحیت، در حوزه ی مدیترانه منطقه ای نبود که فکر مادر باکره (VIRGIN MOTHER) و فرزند او که باید (در راه گناهان) بمیرد (DYING ON) وجود نداشته باشد. در اصل زمین خود الهه ای بود که در هر بهار باکره است. فرزند وی میوه ی زمین است که برای مردن به دنیا می آید، و همین که مرد در زمین دفن میشود تا تخم میوه ی بعدی باشد که، دوره ی تازه ای به وجود آورد این «افسانه ی رستنی» (VEGETATION MYTHI) بود که داستان غم انگیز «خداوند رهاونده» (SAVIOUR GOD) و «مادر غمدیده»

(MATER DOLOROSA) به گونه ای ماهرانه از آن ساخته شد.

گردش فصول روی زمین با گردش می مانند آن در آسمانها مربوط می شد. این عقیده نیز وجود داشت که الهه ی باکره همان برج سنبله (♍) (CONSTELLATION VIRGO) است که درست همان هنگام که ستاره شعرای یمانی در مشرق تولد تازه ی خورشید را اعلام می کرد، وی در قسمت شرقی آسمان بالا می رفت. عبور خط افقی در میانه ی سنبله رمز پذیرفته شدن باکره که توسط خورشید اعطاء گردیده است. افسانه ی زمین بدینگونه با افسانه ی آسمان در آمیخت، و این دو با افکار قهرمانان واقعی و غیر واقعی باستان مخلوط گردید و داستان قهرمان فدا شونده را به وجود آورد.

غاری که زادگاه عیسی محسوب گردید، از پیش زادگاه هوروس (HORUS) بود که پس از آنکه بزرگ شد اوزیریس (OSIRIS) گردید که باید برای رهایی طایفه ی

ص: 34

1- یکی از دوازده برجی که به عقیده ی گذشتگان آفتاب در آنها سیر می کرد نام دیگر آن «عذراء» (باکره) است.

خود بمیرد. ایزیس (ISIS) «مادر غمدیده» بود. مقدار غیر قابل شمارشی از این آیین های معتقد به فدا وجود داشت که توسط نویسندگانی چون سر جیمز گ. فریزر (GERAZIER) (SIR JAMES) در کتاب خود «شاخه زرین» (GOLDEN BOUGH) و دانشمند بزرگ و متخصص ادبیات یونان و روم استاد ژیلبر موری (GILBERT MURRAY) شرح داده شده است.

در این آیین ها مقدساتی پایه گذاری شد که پس از این، مقدسات مسیحی نامیده شد. شام آخر (عشای ربانی) به میترا پرستی (MITIRAISM) تعلق داشت که پس از آن برای پیوستن به شام مسیحیت فلسطینی از آنان عاریت گرفته شد. نه تنها مقدسات بلکه یک سری اعتقادات از قبیل «خون بره» (یا قربانی و تعمید در خون آن در میترا پرستی) به همان موازات از میترا پرستی گرفته شد. و نه تنها معتقدات مذهبی بلکه تعالیم اخلاقی همچنین از آیین هایی که به مسیحیت می گرویدند جذب گردید. به علاوه تعالیمی اخلاقی نیز وجود داشت که مربوط به آیین ها نبود، مانند تعالیم رواقیان.

ارتباط مسیحیت به بت پرستی به اندازه ای وسیع است که چنین به دست می آید که یک مسیحیت یهودی الاصل وجود داشته و در حقیقت این هسته ای بوده برای مسیحیتی دیگر که بسیار کم از طرف مسیحیان فلسطین ماده به آن رسیده است. باید به خاطر داشت که از همان ابتدا فقط چند صباحی به عیسی معلم گفته شد. او مسیح و نجات دهنده و پروردگار مسیحیان شده بود. و حالا آیا او بود یا «میترا» که فکر و اعتقاد به فدا نسبت به او

تقویت شد و در تقدیس و احترام گذاشتن کلیسا به مرحله‌ی رسید که سرانجام اظهار شد که مسیح «خدای نجات بخش» است، یعنی تصمیمی که با رأی اکثریت به سال 325 میلادی در شورای نیکیه (COUNCIL OF NICEA) اعلام و اتخاذ گردید.

بنابراین باید نگرینست چیزی که دانشمند می‌داند اما عامی از آن بی‌خبر است عبارتست از آن اندازه انحراف مسیحیت که اصولاً عیسی و شاگردانش در آن دست نداشته‌اند...» نویسنده‌ی کتاب پس از چند سطر می‌نگارد

«یک رابطه‌ی اصیل برای فاتح ساختن مسیح یهود در درگیری و زد و خورد آینه‌های معتقد به فدا، پولس ترسوسی (PAUL OF TARSUS) است که هم یک یونانی مآب و هم قدیس ملهم یهودی با یک درک ژرف از مسلک بت پرستی بود. او برای ترکیب و به هم پیوند دادن استادی ماهر و هم او نخستین کسی بود که اندیشه‌ی پیوند دادن اسرائیل را به آتن (ATHENS) معبد اورشلیم را به قربانگاه میتراپی و یهوه‌ی (فرقه‌ی اسنی (ESSENIC JEHOVAH) را به خدای ناشناخته‌ی تپه‌ی آرو پاگوس (AREOPAGUS) در سر پروراندید...» (1)

آنچه نقل کردیم نوشته‌ی ا. پاول دیویس A.POWELL DAVIES

رهبر فقید کلیسای «ال سولز ALL SOULS CHURCH است. این شخصیت علمی و مذهبی پس از مطالعات عمیق در طومارهای کشف شده از کناره‌ی بحرالمت و کتاب‌های اصیل دیگر چنین اظهار می‌دارد که مسیحیت فعلی از مسیحیت نخستین جدا و در این مسلک، عقاید انحرافی بت پرستان بسیار وارد شده

ص: 36

بحدی که چهره‌های اصلی آن را مسخ کرده است.

باید گفت که قرآن مجید نیز این حقیقت را یادآوری می‌کند که «عقیده‌ی پسر خدا بودن مسیح» به گفتار کافران پیشین شباهت دارد (سوره ی توبه آیه ی 30).

چنانکه نقل کردیم، این موضوع مسلم است و از نظر دانش امروز جای شک و شبهه نیست و اگر گاهگاه مبلغی مسیحی برای پولس یا اندیشه‌های او ارزشی قایل می‌شود، مامور است و معذور (یا اینکه بگفته‌ی آن دانشمند، «عامی» و «کم اطلاع» است).

اینجا لازم می‌دانیم اشاره کنیم که هفتمین پیشوای بزرگ ما حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرموده اند که هفت تن در جهنم سخت‌ترین عقوبت را خواهند دید یکی از آنان پولس است که نصاری (مسیحیان) را گمراه کرد... (1)

پولس از نظر برنابا

پیش از این در شرح برنابا گفتیم که کتاب اعمال رسولان به اختلاف فکری برنابا و پولس اشاره کرده است و همین اختلاف شد که برنا با از همکاری با پولس دست کشید. به نظر می‌رسد نقطه‌ی آغاز این اختلاف وقتی بوده است که پولس می‌خواستند اندیشه‌های ویژه‌ی خود را ظاهر کند.

برنابا حواری پاک و یکتاپرست با سرسختی بسیار با پولس مخالفت می‌کند که البته این مخالفت به مصلحت، در کتاب اعمال رسولان نقل نشده است. اما برنابا در اول و آخر انجیل خود با شدت از پولس سخن می‌گوید و اینک عین گفتار برنابا:

« برنا با فرستاده‌ی یسوع ناصری مسمی به مسیح آرزو می‌کند

ص: 37

برای همه ی ساکنین زمین اسلام و تسلیه را. ای عزیز بدرستی که خدای بزرگ عجیب تققد نموده است ما را در این روزهای پسین به پیغمبر خود یسوع مسیح به رحمت بزرگ از برای تعلیم، و آیاتی که گرفته است آنها را شیطان وسیله ی گمراه نمودن بسیاری را به دعوی پرهیزگاری. که بشارت دهندگانند به تعلیمی که سخت کفر است. و خوانندگان را پسر خدا. و ترک کنندگانند ختنه را که امر کرده است به او خدا همیشه. و تجویز کنندگانند هر گوشت ناپاک را. آنان که گمراه شده در شماره ی آنها نیز پولس که سخن نمی گویم از او مگر با افسوس و او باعث است که به سبب او می نگارم آن حقی را که دیده ام و شنیده ام در اثنای معاشرت با یسوع تا اینکه خلاص شوید و گمراه نکند شما را شیطان که هلاک شوید در جزای خدا. و بنابراین پس حذر کنید از هر کسی که بشارت می دهد شما را به تعلیم جدیدی که مخالف است با آنچه می نویسم او را تا خلاص شوید خلاص ابدی. و خدای بزرگ با شما باد و حفظ کند شما را از شیطان و از هر شری. آمین» (اول انجیل برنابا).

در آخر انجیل خود می گوید:

« و پس از آنکه یسوع رفت شاگردان در اطراف مختلفه ی اسراییل و جهان پراکنده شدند. اما حق مکروه شیطان بود و آن را باطل جلوه داد چنانکه همیشه بر همین حال بوده است. زیرا فرقه ای از اشرار مدعیان اینکه ایشان نیز شاگردانند بشارت دادند اینکه یسوع مرده و برنخاسته و دیگران بشارت دادند به اینکه در حقیقت مرد و همیشه بشارت می دهند به اینکه همان خداست و در شماره ی ایشان پولس هم فریب خورد. اما ما پس

ص: 38

همانا که بشارت می دهیم به آنچه نوشته ام کسانی را که از خدا می ترسند تا در روز پسین از دادخواهی خدا خلاص باشند».

به هر صورت برنابا میگوید پولس فریب شیطان را خورده و تعلیم می دهد که عیسی پسر خداست.

انجیل برنابا به پارسایی دعوت می کند

دکتر خلیل سعادت مترجم مسیحی انجیل برنابا به زبان عربی چنین اظهار می دارد :

«... این انجیل مشتمل است بر آیات باهره ی حکمت و طراز خوب فلسفه ی ادبیه و اسلوب هایی که به بلاغت عالیه ی خود عقول را جادو می کند، با سادگی در تعبیر و مقصودش ترقی دادن همت بشری است بسوی افقی بلند و منزه ساختن آنست از شهوات حیوانیه در حالی که امر کننده ی به معروف و نهی کننده ی از منکر و وادارنده ی بر فضایل و تقبیح کننده ی رذایل و دعوت کننده ی انسانست به قربانی کردن نفس در راه احسان به مردم تا از او تمام آثار انانیت (1) زایل شود و برای منفعت برادران خود زندگی نماید (مقدمه ی ترجمه ی انجیل).

نویسندگان دائرة المعارف آمریکا نیز (در کلمه ی برنابا) اظهار داشته اند که انجیل برنابا روی مسایل اخلاقی ویژه ای تکیه کرده است.

انجیل مورد بحث ما برای پاک ساختن فرد و اجتماع از پلستی و پلیدی های روحی که به مراتب از کثافت های جسمی بدتر و زشت تر است کوشیده و سعی کرده آنچه حضرت مسیح علیه السلام در این باره اظهار داشته است، به دقت بنویسد.

ص: 39

1- خود پرستی از کلمه ی عربی «انا» یعنی من.

ما در این نوشته ی مختصر نمی توانیم همه ی آنها را بیاوریم و یا قضاوت کلی و همه جانبه بنماییم. کسانی که خواستارند کتاب را بخوانند.

توحید در انجیل برنابا

یکی از اهداف اصلی برنابا در نوشتن انجیل (بگونه ای که خودش در اول کتاب گفته است) برافروختن چراغ توحید می باشد که عیسی نیز مانند پیامبران دیگر همان را روشن می داشته و ترویج می فرموده است.

جالب است که برنابا می گوید: چون آدم و حوا (علیهما السلام) از بهشت بیرون شدند، مشاهده کردند که بالای دروازه ی بهشت نوشته اند «لا اله الا الله محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)» (باب 41 آیه ی 33).

و پیش از آن آدم همینکه آفریده شد دید که در هوا نوشته ای به چشم می خورد که مانند آفتاب می درخشد «لا اله الا الله محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)» و از خدا خواست آن نوشته ها بر ناخن شست او منعکس شود. خداوند جمله ی اول را بر شست راست او و جمله ی دوم را بر شست چپ او نقش کرد (باب 39)

از این روست که خدا بودن مسیح را به شدت انکار می کند چنانکه به زودی خواهیم گفت.

معاد در انجیل برنابا

یکی از بزرگ ترین دلیل هایی که می توان برای صحیح نبودن تورات و انجیل کنونی اقامه کرد آن است که در این دو کتاب

مطالب زیادی در مورد «قیامت» و رستاخیز پس از مرگ وجود ندارد. به عکس قرآن کریم که آیات زیادی و قسمت های از آن را آیات قیامت و معاد تشکیل می دهد و این خود یکی از امتیازات قرآن مجید است که نمی توان آن را با سایر کتاب های مذهبی مقایسه کرد.

این کتاب آسمانی 1400 سال است که جهانیان را به مبارزه می خواند و می گوید و اگر نسبت به آنچه بر بنده مان فرود آورده ایم شک دارید سوره بی مانند آن بیاورید... (البقرة 23).

او نمی گوید «مثل» همه ی قرآن را بیاورید بلکه می گوید اگر کسی بتواند حتی سوره ای مانند کوچکترین سوره ی قرآن عزیز بیاورد، کافی است که در برابر قرآن مدعی باشد و مسلمانان را بکوبد. اکنون این گوی و این میدان...

می دانیم که سالهاست دشمنان اسلام برای از بین بردن این آیین از پرداخت پول های گزاف و تلفات و... دریغ نداشته اند. علاوه بر جنگ های زمان پیامبر بزرگ و خلفا، تنها هشت جنگ صلیبی راه انداختند که باری سرانجام هم شکست خوردند. همین چند سال پیش یهودیان قرآن را تحریف کردند و آیات ضد یهود آن را برداشتند و در آلمان به چاپ رسانیدند که مسلمانان متوجه شدند و حکم به مصادره و از بین بردن آن صادر کردند.

به راستی اینان که این همه دانشمند و ادیب و فیلسوف و حقوقدان و مستشرق دارند، بنشینند و سوره ای مانند قرآن بیاورند که با داوری شورایی از دانشمندان بی طرف، مانند قرآن شناخته شود و مسلمانان از اسلام دست بردارند....

آنان که می دانند که چنین کاری ممکن نیست و شروع کردن به آن احمقانه است از این رو شانه خالی می کنند و از راه هایی دیگر با این آیین بزرگ به مبارزه بر می خیزند.

آری برادر مسلمان، اگر یا عیسی - درود خدا بر هردوان باد - تنها خود وسایل معجزه را در دست داشتند، پیامبر تو وسیله معجزه اش را در دست پیروان گذاشته است تا «همه» در «همه جا» و در «همه ی عصرها» با نشان دادن آن، حجت را همه کس تمام کنند و سر بلند باشند. و «آیین همگانی و جاودانی، اعجازی همگانی و جاودانی می خواهد.»

وقتی به محتویات این کتاب آسمانی می نگریم مشاهده می کنیم آیات بسیار زیادی از آن مربوط به قیامت و جهان دیگر است. در این جهان که داد و ستم همراه یکدیگرند و حقوقی پایمال می شود که به هیچ وجه جبران پذیر نیست، چه باید کرد؟ خداوند مالک، و مولای ماست. او قول می دهد که در موردی که واقعا نتوان حق را گرفت تصور نباید کرد که در آفرینش بیچاره گشته ایم بلکه روزی برای داوری مقرر است که بدترین مجازات را برای ستمبارگان آماده دارد، اگر چه فرمان داده است که ما خود حق خویش را هم در این جهان باید بازستانیم.

نیز هشدار می دهد که ای ستمگر خیال مکن که تو با خودکامگی هر کار که می خواهی می کنی و آب از آب تکان نمی خورد بلکه روزی سخت در پیش داری...

از این روست که مساله ی جهان دیگر و روز جزا تنها چیزی است که افراد جامعه را به زندگی دلبنده می کند وگرنه زندگی بی هدف به راستی «احمقانه» است.

قرآن مجید هدف را معین می کند. و اگر کسی به دنبال هدف نرود «مقصر» شناخته می شود و از این رو افرادی که به کتاب های دیگر و آیین های پوشالی دلخوشند و دنبال هدف نمی گردند و زندگی را فعالیتی می دانند که پایان آن «مرگ» است نه «جهان دیگر» مسؤول خواهند بود. و برای این است که قرآن فرموده «هرکس دینی جز اسلام بپذیرد هیچگاه در درگاه خدا پذیرفته نمی شود و در جهان دیگر زیانکار خواهد شد.» (سوره آل عمران آیه ی 85) زیرا تنها اسلام است که «هدف آفرینش» را مشخص ساخته است.

در انجیل برنابا نیز مطالب بسیاری درباره ی قیامت و بهشت و دوزخ آمده که شایان توجه است (باب 135 و 136 و 169 و پس از آن).

انجیل برنابا درباره ی نماز سفارش می کند

اگر ما به راستی بنده ی خدا هستیم باید از هر دست و به هر گونه در پیشگاه او کرنش و ادای احترام کنیم. خدمت به خلق، نیز اگر برای خدا باشد عبادت است و بسیار اهمیت دارد ولی نه آنکه بگوییم: «عبادت به جز خدمت خلق نیست».

عباداتی که در دین اسلام مقرر شده است برای استوار ساختن پیوندهای بنده و مولا (الله) است، و کمال آدمی تنها در این است که کاری انجام دهد که «او» خشنود شود.

ممکن است عبادت نکنیم و در همان حال کارهای مثبتی انجام دهیم لکن به جای آنکه برای خدا باشد برای «نام نیک» «جاه و مقام»، «آرام کردن عاطفه ی انسانی» یا اگر خیلی هم خوب باشیم برای خلق کار نکنیم.

اما در تمام این موارد، اگر غرض ما خدا نباشد، کارهایمان بی ریشه و پوچ خواهد بود خداوند می فرماید: «به کارهایی که انجام داده اند روی می آوریم و آنگاه آن را چون گرد و غبار پراکنده می سازیم.» (سوره ی الفرقان آیه ی 23) و اما اگر هم خدا و هم غیر او هدف ما باشد، دچار «شرک پنهان» خواهیم شد.

خداوند به پیامبر خود همان در آغاز رسالت برخاستن در شب و پرستش خود را سفارش می کند و می فرماید که وی باید شب را به تهجد و عبادت برخیزد زیرا شب با آرامش و سکون توأم است و در نتیجه حضور قلب بیشتر و سخن گفتن بهتر انجام می گیرد (سوره ی المزمّل آیه های 7 و 6) از اینجاست که پیامبران بسیار به عبادت می پرداختند (حتی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نماز نیمه شب واجب بوده است).

عیسی مسیح (علیه السلام) پیروان خود را به نماز امر فرمود و گهواره فرمود که خداوند مرا تا زنده ام به نماز و زکات امر فرموده است (سوره ی مریم آیه ی 31).

در انجیل برنابا موارد زیادی به نماز خواندن مسیح اشاره شده و مواردی بسیار نیز اوامر آن حضرت درباره ی اهمیت دادن به نماز نقل شده است (از جمله باب 119).

برنابا مسیح را پیامبر می شناسد

قبلاً نقل کردیم که دانشمندان محقق مسیحی فهمیده اند که مسیح خود را پیامبر می دانسته و حتی مسیحیان اولیه نیز او را پیغامبر می شناخته اند، و «خدا خواندن» آن گرامی بر اثر اندیشه های

بت پرستان بود که چون میکروبی خطرناک به کالبد مسیحیت روی آورد و آن را تباه ساخت.

برنابا نقل می کند که مسیح خود از این اندیشه که کم و بیش توسط سپاه روم رواج پیدا کرده بود، سخت دلگیر و ناراحت بود برنابا مساله ی پسر خدا بودن را به آیین آنان مربوط می کند و از این روی با قرآن مجید (1) و تحقیقات پژوهشگران هم صداست.

او می گوید که مسیح به تکرار این نسبت را از خود دور می کرد (از آن جمله 52 : 10 و 126 : 101 و 138 : 11 و 198 : 16 - 17 و 206 : 2 - 18 و 212 : 6 و 220 : 19 و غیره).

او همچنین اظهار می دارد که عیسی (علیه السلام) چندین بار مردم را جمع کرد و به آنان فرمود که او را پسر خدا نخوانند. و حتی نیروی اعجاز خود را به دیگران نیز داد که مردم از این خیال زشت برگردند (باب 126)

برنابا بر دار رفتن عیسی مسیح را انکار می کند

انجیل برنابا بردار رفتن عیسی را قبول ندارد. برنابا صریحاً اظهار داشته است که عیسی بالای دار نرفت و پروردگار او را به آسمان بالا برد. اما خداوند طرح چهره ی آن حضرت را بر شاگردش یهودای اسخر یوطی (JUDAS ISCARIOT) که او را تسلیم دشمنان کرده بود - افکند و وی به جای او بردار رفت. شباهت به گونه ای بود که همگی شاگردان و مردم حتی حضرت مریم مادر او تصور کردند حضرتش بر دار است. اما پس از این عیسی فرود آمد و فرمود که من بر دار نرفتم و تسلا ی مادر و شاگردان و دوستانش را فراهم ساخت. (باب 215 تا آخر کتاب).

ص: 45

1- آیه ی آن را پیش از این نقل کردیم.

در انجیل برنابا تقریباً تمام آنچه در سه سه انجیل همنوا (1) (NOPTIC) موجود است آمده اما با کمی تفاوت مثلاً در انجیل لوقا باب 3 فراز 16) می خوانیم که حضرت یحیی تعمید دهنده (JOHN THE BAPTIST) گفته است من لایق نیستم بند کفش عیسی را باز کنم، اما در انجیل برنابا (باب 44 آیه ی 30 و موارد دیگر) از عیسی نقل شده که فرموده است من لایق نیستم بند کفش حضرت محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) را بگشایم...

مطالب انجیل یوحنا کمتر در این انجیل آمده است زیرا انجیل مذکور روی الوهیت مسیح تکیه می کند و فلسفه های مشرکانه به نحو عجیبی در آن راه یافته و انجیل برنابا از این خرافات منزّه است.

باید توجه داشت که انجیل یوحنا در زمانی بسیار متاخرتر از انجیل های همنوا نگاشته شده و درست زمانی نوشته شده که سیل افکار یونانی (HELLENISM) به مسیحیت سرازیر شده است. تاریخ نوشته شدن انجیل یوحنا حدود سال 90 میلادی است یعنی 60 سال پس از رفتن عیسی مسیح (علیه السلام).

انجیل برنابا در مقابل گزاف گویی های اناجیل دیگر به راهنمایی بشر پرداخته و با پند و اندرزهای عالی و تکمیل معنویت و انسانیت و بلند کردن فکر آدمی پرداخته است. این کتاب تعلیم می دهد که هر کسی نتیجه ی کار خوب یا بد خود را خواهد دید.

کاری که هر فرد بکند برای خود او است و کسی نمی تواند

ص: 46

1- انجیل های متی، مرقس و لوقا بخاطر شباهتی که به هم دارد «همنوا» خوانده می شوند.

بار دیگری را بردارد (مراجعه به باب 114) ضمناً هر کار خوبی بتوفیق الهی است و بنده باید متذکر باشد (باب 126 آیه ی 12 - 14) در صورتی که می بینیم مسیحیت می گوید عیسی در راه گناهان ما بالای دار رفت .

در انجیل برنابا مسایل قضا و قدر و اختیارات انسانی حل و مسأله ی «نه جبر و نه اختیار» خوب توضیح داده شده است (126 : 12 - 14 بضمیمه ی 114 : 15 و باب 164 و 165).

یک ملای یهودی از عیسی میپرسد اینکه آدم در بهشت از درخت «نهی شده» خورد آیا خواست خدا بود یا نه؟

عیسی علیه السلام می فرماید: خداوند برای اینکه بشر با پای خود راه برود او را آزاد گذاشت و به او توانایی انجام دادن کار «نیک» و «بد» عطا فرمود، تا اگر کار خوبی انجام داد از روی اختیار باشد که در این صورت ارزش بسیار خواهد داشت و اگر کار بدی کرد آن نیز از او باشد تا عقوبت پروردگار بر او «قبیح» نباشد. (باب 155)

وقتی از حضرتش سؤال می کنند در بهشت کسانی که در درجات پایین تر هستند آیا با دیدن درجات بالاتر ناراحت و متأسف نخواهند شد؟ آن جناب می فرماینده، زیرا هر کسی به اندازه ی خود راضی خواهد بود همانگونه که در این جهان بچه ها به لباس بچگانه راضی هستند (باب 176).

در این انجیل مسایل بسیاری بدینگونه حل شده و در عین حال از بکار بردن اصطلاحات پر پیچ و تاب علمی احتراز و دوری گردیده است تا همه بتوانند از آن بهره مند شوند.

داستان های دلپذیری از انبیای صالح خدا و همچنین

مثل های سودمند و کلمات دلنشین کلمة الله روح آدمی را به گونه ای شاداب می کند که انسان پس از خواندن این انجیل از پایان یافتن آن ناراحت می شود با اینکه این کتاب از اناجیل معروف طولانی تر است. (1)

اگر کسی این انجیل را بخواند پس از آن به انجیل های کلیسا بنگرد آنگاه فرق بین تعالیم عیسی مسیح و تعالیم یونانیان و بت پرستان مدیترانه را که توسط پولس رسول در اناجیل آمده خواهد دانست و روشنایی آن اناجیل در برابر این انجیل مقدس از روشنایی شمع در نزد آفتاب نیز کمتر خواهد بود. آنگاه متأسف خواهد شد که چرا کلیسا این انجیل گرامی را چندین مرتبه تحریم کرد و خواهد دانست که چرا مردم به تحریم های این «عالیجناب ها» ترتیب اثر نمی داده اند.

ص: 48

1- درباره ی شناخت کتاب های مقدس پس از این سخن خواهیم داشت.

پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) در انجیل برنابا

آیا آمدن پیامبر بزرگ اسلام پیشگوئی شده بود؟

در قرآن مجید آمده است که «نام پیامبر امی را یهودیان و مسیحیان در تورات و انجیل نوشته میابند» (سوره ی الاعراف آیه ی 157)

از این آیه در می یابیم که در عصر حضرت پیامبر در تورات و انجیل نام آن جناب بوده است که اگر نمی بود یهودیان و مسیحیان که در مدینه بسیار بوده اند، کتاب خود را می آوردند و می گفتند اسم خود را نشان بده و اگر آن بزرگ گرامی از چنین کاری عاجز میماندند موضوع توسط آن افراد نشر می یافت. در صورتی که برعکس عده ی بسیاری از یهودیان و مسیحیان آمدند اعتراف کردند که نام گرامی آن حضرت در کتابهایشان و نیز اوصاف آن بزرگوار و آیین گرامی و پیروان او، در نزد ایشان موجود است.

ما در این تورات و انجیل کنونی نیز هنوز اشارات روشنی بر

ظهور آن گرامی می یابیم .

محمد، احمد و تسلی دهنده

در انجیل برنابا چند مرتبه شهادت اسلامی به توحید و نبوت آمده است: «لا اله الا الله، محمد رسول الله» (باب 39 و 41) و می نویسد که آدم همین که آفریده شد آن جمله را دید که در فضا نوشته شده است و روشنایی آن از آفتاب بیشتر است و از خدا خواست که آنها را بر انگشتان او نقش کند و پروردگار نیز «توحید» را بر شست راست او و «نبوت» را بر شست چپ او نگاهشت.

بیش از ده مرتبه نام گرامی آن جناب به لفظ «محمد» (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است و هر مرتبه با تجلیل مخصوص به او. آن حضرت بطوری اوصاف پیامبر گرامی اسلام را شرح داد که همه ی مردم صدای خود را بلند کردند و گفتند ای خدا بفرست برای ما پیغمبر خود را ای محمد بیا زود برای خلاص جهان.» (1997).

اوصافی که حضرت مسیح برای پیامبر عزیز اسلام نقل کند بگونه ای است که اگر کسی با قرآن مجید و رفتار و کردار پیامبر (که آینه ی تمام نمای کتاب او) (1) بوده است آشنا باشد به حیرت می نشیند، اما برای ما مسلمانان حیرت آور نیست بلکه در شگفتیم که چرا در اناجیل دیگر موجود نیست.

تعیین موارد بر اثر زیاد کتاب بودن امکان ندارد، به خود کتاب مراجعه شود.

پیش از این ما نشریه ای به نام «احمد است، تسلی دهنده

ص: 50

1- در کتاب های تاریخ اسلام آمده است که از همسر پیامبر «عایشه» خواستند بطور خلاصه درباره ی «خلق» پیامبر بگویند، او گفت: خلق او قرآن بود (كَانَ خُلُقَهُ الْقُرْآنُ).

نیست» منتشر کردیم و در آنجا با دلیل های استوار و کافی اثبات کردیم که نام گرامی پیامبر بزرگ در انجیل یوحنا آمده است. در جزوه درباره ی کلمه ی تسلی دهنده (PARACLETE) بحث کردیم و توضیح دادیم که اصل این کلمه «احمد» (PERICLETE) بوده است همانگونه که ترجمه ی عبری انجیل که از روی نسخه ی بسیار قدیمی انجام گرفته آن را تایید می کند. در قرآن مجید هم آمده است که مسیح (علیه السلام) به «احمد» بشارت داد (سوره ی الصدف آیه ی 6).

جالب است که در انجیل برنابا هم در موارد بسیاری کلمه ی «تسلی» و «تسلی دهنده» همراه نام گرامی پیامبر اسلام آمده است که دو احتمال موجود است اول، آنکه این یکی از القاب آن بزرگوار باشد. دوم آنکه انجیل برنابا نیز در اثر استنساخ بسیار و ترجمه ی به یونانی مورد اشتباه قرار گرفته و عین قضیه ی انجیل یوحنا در این انجیل تکرار شده باشد. (زیرا مسلم است که انجیل برنابا به زبانی غیر از زبان ایتالیایی که اکنون مشاهده می کنیم نوشته شده بوده است).

اوصاف دیگر آن حضرت

برنابا از عیسی مسیح (علیه السلام) نقل میکند که جهان برای محبت پیامبر اسلام بوجود آمده (باب 55) و همه از او سود خواهند برد (باب 136) در قیامت همه حتی انبیای خدا به او پناه خواهند برد (باب 52) به بعد و دست او را خواهند بوسید (8:54) عیسی با نور پیامبر سخن گفت و اظهار داشت که اگر بتواند بند کفش او را بگشاید، در آن صورت پیامبر بزرگی خواهد بود

(44 : 30-31) نور پیامبر در قیامت چون آفتاب است، بلکه چون هزاران آفتاب (2:54) پیامبر اسلام، ماه بهشت و پیامبران دیگر ستارگان آنجايند (6:177-7) پیامبر «زود است بياورد كلام حق را و نمی باشد آيين او را نهايتی» (17:42 و غيره) جمله ی مزبور اشاره به قرآن مجيد و ابدیت و جاودانگی اسلام دارد.

مسیح به «شکافته شدن ماه» به دست پیامبر عزیز اشاره فرموده است (18:72)

همچنين او فرموده است که مسيا (MESSIAH) یا مسیح منتظر پیامبر اسلام است (و ما پس از این در این باره سخن خواهیم گفت).

اوصاف دیگری هم فرموده است که در این مجال کوتاه ذکر همه نمی گنجد، کسانی که خواستار مطالب بیشتر باشند باید به کتاب مراجعه فرمایند.

ص: 52

آیا انجیل برنابا به عربی نوشته شده است؟

مسیحیان به منظور در اشتباه افکندن مردم و القاء این مفهوم که این انجیل نوشته برنابا نیست بسیار کوشیده اند و خواسته اند تاریخ تألیف آن را به زمان های متاخری مربوط کنند اما چون با هم رابطه نداشته اند، تاریخ هایی که برای آن وضع کرده اند با هم تناقض دارد. جرج سیل که نامش در بخش های پیشین گفته شد در «مباحث مقدماتی» ترجمه ی قرآن مجید (صفحه ی 58) می گوید: «مسلمانان انجیلی به عربی دارند که به برنابای قدیس نسبت داده شده است و در ر آن تمامی زندگی مسیح بگونه ای شرح داده شده است که با آنچه در اناجیل می بینیم تفاوت کلی دارد و با آن مسایلی که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) در قرآن آورده منطبق است...»

وی پس از چاپ قسمت فوق و ترجمه ی قرآن کریم در مقدمه ی دیگری می گوید: «من وقتی آن مطالب را نوشتم انجیل

برنابا را ندیده بودم و اکنون یک نسخه از آن به دستم رسیده است...»

ما پیش از این درباره ی نسخه ای که به دست او آمده بوده است سخن گفتیم و نقل کردیم که این نسخه پس از آن از آن به دست دکتر «هویت» رسید و اکنون متذکر میشویم که دکتر «هویت» می گوید: نسخه ی عربی انجیل برنابا هنوز در شرق (یعنی کشورهای اسلامی) موجود است. (1)

نیز کریمر که نامش گذشت، پشت جلد نسخه ی ایتالیایی که به شاهزاده ایوجین ساووی تقدیم کرده نوشته است که این انجیل محمدی از عربی ترجمه شده است. (2)

ما نمی دانیم اصل عربی این انجیل کجا بوده است که نامش در هیچ یک از کتاب ها نیامده و در فهرستی از فهرست های مذکور نشده و اسم انجیل برنابا (تا اندازه یی که اطلاع داریم) برای اولین بار در کتاب «اظهار الحق» که 1864 تالیف شده آمده است و این کتاب برای نخستین بار در سال 1908 به عربی ترجمه شد و در اختیار مسلمانان قرار گرفت. اما قبل از آن نسخه ی مورد بحث به زبان های اروپایی در جوامع مسیحیان دست به دست می گشت. تمامی این ادعاها مربوط می شود به گفته ی جرج سیل در «مباحث مقدماتی» ترجمه ی قرآن که اشاره شد و او نیز میگوید که انجیل برنابا را در وقت نوشتن آن مباحث ندیده است. (3)

به هر حال ما مدرکی برای وجود اصل عربی و سرنوشت آن می خواهیم وگرنه ادعاهایی از این دست از «افسانه ی سیمرغ و کوه قاف» محکم تر نخواهد بود.

ص: 54

1- مقدمه ی دکتر خلیل سعادت بر ترجمه ی عربی انجیل برنابا.

2- مدرک پیشین.

3- دانشمند مسیحی و مستشرق بزرگ مرگلیوث (MARGOLIOUTH D.S.) نیز این موضوع را که نام «انجیل برنابا» بین مسلمین نبوده است دلیل آن می داند که اصل آن عربی نبوده است (مقدمه ی دکتر خلیل سعادت).

بستانی مسیحی نویسنده ی دائره المعارف (در کلمه ی برنابا) خود می نویسد: «انجیلی ساختگی به زبان عربی به برنابا نسبت داده می شود، و به زبان انگلیسی و اسپانیایی و ایتالیایی ترجمه شده است. به نظر می رسد که گروهی از مرتدان آن را نوشته باشند و فوتیوس در قانون رسولی خود آن را در کتب اپوکریفی قرار داده است و پاپ جلاسیوس دوم در سال 1118 آن را تحریم کرد.»

این نویسنده ی متعصب با آنکه بین مسلمین و در میان کتاب های عربی زندگی کرده و اطلاع او بر کتاب های عربی و اسلامی کمتر از دانشمندان مسلمان نبوده است، برای تیره کردن تاریخ «انجیل برنابا» می گوید انجیل مزبور عربی است و به و اسپانیایی و ایتالیایی ترجمه شده با اینکه همانطور انگلیسی که اشاره شد - مسلم است که ترجمه ی عربی و انگلیسی اسپانیایی از ایتالیایی برگردانده شده و اما نسخه ی ایتالیایی آن از چه زبانی بوده است، تاریخ کتاب پاسخی برای سؤال مزبور ندارد.

ناگفته نماند که شاید نسبت دادن حکم تحریم انجیل مذکور به جلاسیوس دوم بدین خاطر است که تاریخ کتاب را به بعد از اسلام بکشد زیرا حکم مربوط به جلاسیوس اول پیش از ظهور اسلام بوده است و با همین شبهه بین جلاسیوس اول و دوم، خواسته آب را گل آلود کند تا ماهی بگیرد...

میلر مبشر آمریکایی در ایران، «انجیل برنابا را از نوشته های ساختگی قرن 15 میلادی میدانند» (تاریخ کلیسای قدیم چاپ آلمان ص 89-90).

با قطع نظر از تاریخ قدیم کتاب، از همکار میلر یعنی بستانی نقل کردیم که جلاسیوس دوم در قرن دوازدهم انجیل برنابا را تحریم کرده است و پس از این هم خواهیم گفت که برخی دیگر از مسیحیان به استناد به مساله ی «یوبیل» تاریخ آن را در نیمه ی نخست قرن 14 میدانند و کسی از محققان و مورخان تاریخی متأخرتر از این تاریخ نگفته است. اما میلر آن را تا قرن پانزدهم به جلو می کشد.

قاموس کتاب مقدس چه می گوید؟

مستر هاکس آمریکایی (ساکن همدان) در «قاموس کتاب مقدس» (کلمه ی برنابا) گفته است. «... کتاب دیگری وجود داشت که انجیل برنابا خوانده شد که در عصر حاضر به زبان ایتالیایی بتوسط یک نفر مسلمان نوشته شد تا برساند که کتاب مقدس تحریف یافته و در حقیقت مطلبی راجع به عیسی مسیح از منابع موثقه تحصیل نکرده است.»

این نویسندگی مزدور تصور می کند، نویسندگان انجیل چهارگانه که از افکار بوداییان و هندوان و بت پرستان یونان و ایتالیا «مطالبی» راجع به عیسی مسیح گرفته اند (1) از «منابع موثقه» تحصیل کرده اند اما برنابا که در آغاز انجیل خود می گوید من پس از معاشرت با مسیح اینها را نوشته ام اشتباه کرده و منابع

ص: 56

او موثق نیست.

این نویسنده که درباره ی زمان تالیف انجیل برنابا دست کم دویست سال دروغ گفته (زیرا جرج سیل 200 سال پیش از او به آن دست یافته و در کتابش نوشته و چاپ شده است) نباید انجیل برنابا را غیر موثق بخواند.

جنایات این مبشران تزویرکار بیش از آن است که در این رساله ی کوچک بتوان برشمرد.

ص: 57

آیا انجیل برنابا را نازه مسلمانی نوشته است؟

لونسدیل و لوراراگ مترجمان انجیل برنابا به انگلیسی با اینکه به اصل عربی این کتاب عقیده ندارند آن را تألیف یک نفر مسلمان می دانند که پیش از آن مسیحی بوده است. (1)

جرج سایل نیز (در مقدمه ی ترجمه ی قرآن) این نظریه را اظهار داشته است. (2)

دکتر خلیل سعادت معتقد است که مؤلف آن مسلمانی یهودی الاصل بوده است. (3)

آنان برای عقیده ی خود دلیل هایی آورده اند که هر کس بخواهد میتواند به کتاب آنها مراجعه نماید.

ما در اینجا یک پرسش داریم که آیا انجیل برنابا با این شیوایی و زیبایی محتوا چه هنگام نوشته شد و چگونه به کتابخانه ی پاپ راه پیدا کرد به گفته ی تاریخ در حدود سال های 190 ، 364 ، 382 ، 383 ، 495 ، 870 ، 1118 انجیل برنابا وجود داشته و پس از آن در حدود 1585 ، تا 1590

ص: 58

1- دائرة المعارف آمریکا (کلمه ی برنابا).

2- مقدمه ی قرآن ص 10 .

3- مقدمه ی ترجمه ی عربی .

نسخه‌ی ایتالیایی کشف می‌شود اکنون باید پرسید انجیل برنابایی که پیش از اسلام نوشته شده در چه تاریخی پنهان گردیده و انجیل برنابای فعلی چه وقت سر بیرون آورده است.

کسانی که این نظرها را داده‌اند چون دیده‌اند تعالیم انجیل مزبور نزدیک به تعالیم اسلام و یهودیت است، لازم دانسته‌اند از پیش خود چنین ادعایی نکنند. اما همانطور که پیش ازین گفتیم، هسته‌ی مرکزی ادیان حقیقی جهان یکی است لکن پیرایه‌هایی که دیگران به آن می‌بندند متفاوت است و گفتیم که مسیحیت کنونی اعتقادات مذهبی و اخلاقیات خود را از بت پرستان گرفته و از این رو تعالیم آن با تعالیم تورات اختلاف پیدا کرده است. اما مسیحیت اصلی با یهودیت اصلی و همچنین با اسلام در مسایل اساسی و اعتقادی زیاد تفاوت ندارد و مسیحیت اصیل بیشتر در انجیل برنابا منعکس شده است.

دکتر خلیل سعادت، چون دیده است که در عقاید مسیحیان مبانی بت پرستی بسیار وجود دارد و از مسیحیت اصیل نیز آگاهی نداشته، گفته است که نویسنده‌ی انجیل برنابا یهودی بوده و اسلام آورده است.

اشتباهات نسخه‌های برنابا

انجیل برنابا نیز در اثر گذشت زمان و نسخه برداری‌های مکرر دستخوش اشتباهات فراوانی شده است. شاید مؤلف آن نیز مطلبی را اشتباه به خاطر سپرده و آن را نوشته است. البته باید بگوییم که این اشتباه‌ها در کتاب‌های مقدس مسیحیان نیز به حد وفور یافته می‌شود در همان باب اول انجیل متی بیش از 10 اشتباه وجود دارد مثلاً در فراز 17 می‌گوید حضرت مسیح

چهارده پشت پس از جلای بابل (اسارت یهودیان در آن شهر) به دنیا آمده است با اینکه وقتی می‌شماریم می‌بینیم خود متی دوازده نفر نام برده که با مسیح می‌شود 13 نفر.

مسلم است که این «چهارده» غلط است اما مسیحیان برای این اشتباه جوابی ندارند. (1)

در کتاب های مسیحیان اشتباه ها به اندازه یی فراوان است که دانشمندان آنان در تفاسیر خود بدانها اعتراف کرده و جوابی برای آن اشتباه ها نیافته اند.

از اشتباه های «انجیل برنابا» یکی آنست که می گوید فرشتگان بر خاک آدم سجده کردند و سپس روح به او دمیده شد (باب 39 و 35)

در قرآن کریم آمده است که خدا به فرشتگان فرمود: پس همین که او را تکمیل کردم و از روح خودم در او دمیدم برای او به سجده بیفتید (سوره ی الحجر آیه ی 29)

دیگر از اشتباه های آن این است که می گوید حضرت عیسی با معجزه آب را به شراب تبدیل کرد (باب 15)

با اینکه مسلم است که حضرت مسیح علیه السلام آب را به شراب تبدیل نفرمودند تا عده ای از آن بخورند و به روح و بدن خود آسیب های جبران ناپذیر فرود آورند این موضوع در انجیل یوحنا (باب 2) نیز آمده است.

اشتباه دیگر آنکه گفته آسمانها 9 تا هستند (1:178) با اینکه در قرآن کریم هفت آمده است و دیگر اشتباهات.

ص: 60

1- اما برای اغفال دیگران «تقلب» را جایز می دانند. در تفسیر انجیل متی که به فارسی به سال 1926 در چاپخانه ی دانشگاه آمریکائی بیروت چاپ شده فراز مورد بحث را حذف کرده و از شر تفسیر آن خلاص شده است، البته به گونه یی چشم بندی کرده است که خواننده به زودی متوجه نمی شود.

یوبیل هر صد سال یک بار؟

یهودیان طبق دستور تورات (سفر لاویان باب 25 فراز 11) موظف بودند هر پنجاه سال یکبار جشن بگیرند و آن سال زراعت نکنند و در امور زندگی بسیار انسانی رفتار کنند و...

در مسیحیت هم، این جشن وجود داشت و از سال 1300 مسیحی هر صد سال یک بار چنین می کردند. جشن مزبور (یوبیل) (JUBILEE) نامیده می شد. در سال 1350 گفتند، بهتر است هر پنجاه سال یکبار، باشد (مانند یهود) و... این مراسم پس از مدتی به بیست و پنج سال تغییر یافت و تاکنون چنین است.

در انجیل برنابا آمده است که «اکنون یوبیل صد سال می آید» (18:82 و 25:83) و از این جهت عده ای گفته اند معلوم می شود انجیل مورد بحث در نیمه ی اول قرن چهاردهم میلادی تألیف شده است.

اما با تأمل مختصر روشن می گردد که این حدس کاملاً اشتباه است زیرا مولف این کتاب اگر می خواست کتاب خود را به دروغ به «برنابای رسول» نسبت دهد این قدر متوجه بود قضیه ای را که در زمان خودش به وجود آمده است در آنجا نقل نکند. اگر کمی در تورات دقت کنیم می بینیم که نویسندگی آن چون درصدد نبوده است که آن را به حضرت موسی نسبت دهد، جریان های مرگ و پس از مرگ آن حضرت را نیز در آنجا آورده و کراراً گفته است که فلان قضیه ی زمان حضرت موسی (علیه السلام) تا این زمان نیز چنان است... اما نادانی موجب شده که «تورات» را با این همه شواهد مخالف، تألیف موسی علیه السلام

بدانند لکن یک لغزش نسخه بردار برای نفی انتساب این انجیل به حضرت برنابا شاهد کافی محسوب شود.

ما می‌گوییم این جمله یا توسط کسی که در آن وقت استنساخ می‌کرده اضافه شده است و یا اینکه آن «نسخه بردار» از تاریخچه ی یوبیل بی اطلاع بوده است (که البته مؤلف کتاب با آن معلومات وسیع نمیتواند چنین باشد) و خیال کرده که «پنجاه» اشتباه و «صد» صحیح است (اصولا در زبان ایتالیایی نوشتن این دو کلمه نزدیک هم است. پنجاه = (CINQUANTA) صد = (CENTO))

جالب اینکه یک مبلغ مسیحی به نام «جان سلامپ» (REV. JAN SLOMP) در صفحات 71-76 «بولتن» شماره ی 31 چاپ واتیکان پس از اشاره به مساله ی فوق (که اگر صحیح باشد، موجب می شود انجیل برنابا در فاصله ی سالهای 1300 - 1350 میلادی تالیف شده باشد) باز هم فلسفه بافی کرده میخواید ادعا کند که انجیل برنابا در قرن هفده یا پس از آن نوشته شده است.

وی می‌گوید نویسندگی این انجیل می‌خواسته است از مسیحیان (که به تفتیش عقاید پرداخته دیگران را آزار داده بودند) انتقام بگیرد و آنان را درباره ی انجیل خود به شک بیندازد.

آقای «سلامپ» نمی‌داند که اگر کسی بخواهد چنین کاری بکند نمی‌آید به این صراحت نام مقدس پیامبر اسلام را در انجیل ساختگی خود بیاورد و بگوید حضرت مسیح (خدای مسیحیان) فرموده است که قابلیت آن را ندارد که بند کفش حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را بگشاید. آری آن فرد هوشمندی

که جاعل «انجیل برنابا» فرض می شود باید خیلی داناتر از این باشد.

مسیا و مسیح ...

جرج سیل می گوید چون در این انجیل لقب مسیا (یعنی مسیح) به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) داده می شود نویسنده مسلمانی کم اطلاع بوده است، زیرا این لقب در قرآن مجید به حضرت عیسی (علیه السلام) اطلاق گردیده است... (مقدمه ی قرآن مجید ص 58).

شگفتا که مسیحیان گاهی می گویند مطالب این انجیل از قرآن مجید گرفته شده و گاهی نیز چنین ادعا می کنند که نویسنده ی آن حتی از وارد شدن کلمه ی مسیح در قرآن کریم بی خبر بوده است؟ با اینکه این نویسنده را دانشمند می دانند و کلمه ی مسیح بیش از ده بار در قرآن مجید به عیسی (علیه السلام) اطلاق شده است.

توضیح کوتاهی می دهیم «مسیح» یک لقب عام می باشد و تاکنون به افراد زیادی گفته شده است از آن جمله شائول (SAUL) کتاب اول سموئیل (1:10) و کورش (SYRUS) کتاب اشعیا 1:45

از این رو هیچ اشکالی ندارد که حضرت عیسی (علیه السلام) هم اظهار فرماید که مسیح به تمام معنی پیامبر عالیقدر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است، همانطور که وقتی مسیحیان می گویند «عیسی مسیح» نمی خواهند مسیح بودن شائول و یا کورش را انکار کنند.

ص: 63

آیا انجیل برنابا انجیل مسیح است؟

برنابا در انجیل خود این موضوع را تذکر می دهد که عیسی (علیه السلام) انجیلی برای خود داشت که مانند آینه می درخشید و مطالب خود را به آن مستند میفرمود و سپس از این جهان رفت (باب 10 و 168)

بنابر این برنابا نمیگوید این زندگی نامه ی مسیح، کتاب آسمانی اوست بلکه کتاب آسمانی او را مطالبی می داند که او فرموده بوده و بسیاری از آن در این کتاب ضبط گردیده است. و انجیل حقیقی همان است و انجیل برنابا شامل مقداری از مطالب آن می باشد.

مبلغان مسیحیت در برخی از نوشته های خود ادعا می کنند که مسلمانان انجیل برنابا را انجیل حقیقی عیسی مسیح می شناسند. آنان به عنوان اعتراض آن مطالب مخالف با قرآن مجید را (که در برخی از قسمت های این انجیل به چشم می خورد) به رخ مسلمانان می کشند...

در اینجا لازم می دانیم صریحا اعلام کنیم که هیچ مسلمانی این کتاب را انجیل حقیقی حضرت عیسی (علیه السلام) نمی داند. اصولا این اعتقاد مخالف است با اعتقاد مسلم و مورد قبول همه ی مسلمین که کتاب آسمانی را خدا می فرستد و عبارات آن توسط پروردگار یا پیامبری که به قلب وی الهام شده است تهیه می شود نه شخص ثالثی.

اگر این کتاب در نظر ما مسلمانان انجیل حقیقی بود به آن مانند قرآن مجید احترام می گذاشتیم. زیرا دستور اسلام چنین است و هر مسلمانی وظیفه دارد به همه ی کتاب های آسمانی

احترام بگذارد.

آری مسلم آنست که پاپ‌ها و دیگر رهبران مسیحیت بسیار کوشیدند تا این انجیل از انظار مردم دور بماند و هر روزی به گونه‌ی بی‌انتشار آن جلوگیری کردند، زمانی با تحریم مطالعه‌ی آن و زمانی دیگر با پنهان کردن در مخازن کتابخانه‌ی پاپ، و شاید هم نسخه‌های زیادی از آن را به آتش سوخته یا به دریا ریخته باشند. چه کسی می‌داند؟

باری انجیل برنابا از کلیسا بیرون آمده و به دست ما رسیده است. تلاش‌های نویسندگان کلیسا برای متهم کردن مسلمانان به جعل آن یا اینکه مثلاً «این انجیل را انجیل حقیقی عیسی می‌دانند» نمی‌تواند فضای پژوهش را برای آزاداندیشان تیره کند.

ضمناً باید توجه داشت که کتابخانه‌ی پاپ بخشی دارد که جز جناب ایشان کسی نمی‌تواند به آنان راه یابد و خدا می‌داند چه نسخه‌های خطی گرانبهایی در آنجا نگهداری می‌شود.

در گذشته واتیکان حتی از نسخه‌های خطی «کتاب مقدس» در مخازن خود آگاهی کافی و وافی نمی‌داد. برای نمونه از نسخه خطی معروف به «نسخه‌ی واتیکانی» یاد می‌کنیم. این نسخه که به ادعای مسیحیان در قرن چهارم میلادی تحریر یافته است مدت‌ها ناشناخته بود. نام نسخه برای نخستین بار در سال 1475 (یازده قرن پس از کتابت آن) در فهرست کتابخانه‌ی واتیکان منتشر شد، و پس از آن هیچکس به هیچ وجه نتوانست از وضع آن آگاهی یابد. این نسخه را ناپلئون در اوایل قرن نوزدهم به غنیمت به پاریس برد و در آن زمان برخی از

ص: 65

دانشمندان توانستند آن را بررسی کنند در سال 1815 نسخه ی مذکور به واتیکان برگشت، اما حضرت پاپ همان راه و روش قبلی را پیش گرفت و به کسی اجازه نداد آن را ببیند. در سال 1843 «تیشندرف» (TISCHENDORF) بزرگترین دانشمند «کتاب مقدس شناس» در دورانهای اخیر پس از چندین ماه انتظار اجازه یافت برای 6 ساعت آن را ببیند در سال 1844 «زدومورانت» اجازه یافت 9 ساعت آن را بررسی کند. سال بعد با دانشمند بزرگ انگلیسی «ترگلس» (TREGELLES) موافقت کردند که آن را ببیند به شرط آنکه حتی یک کلمه ی آن را استنساخ نکند. او قبل از ورود به جایگاه ویژه ی نگهداری نسخه بازرسی بدنی شد که مبادا وسایل کتابت همراه داشته باشد. همچنین اگر وی روی قسمتی دقت می کرد فوراً دو تن نگهبان می آمدند و نسخه را از دستش می گرفتند و همینطور دانشمندان دیگری با بسیار دشواری و تحقیر هر کدام در مدتی کوتاه توانستند آن را ببینند. تصویر این نسخه سرانجام در سال های 1889 - 1890 منتشر شد. (برای تفصیل داستان به کتاب های مربوطه مراجعه شود).

وقتی کلیسا با کتابهای خود چنین کند پس با کتابهای مخالف چه عملی روا خواهد داشت؟

در پایان لازم می دانیم بگوییم :

بر فرض هم که این تشکیک ها صحیح باشد، ارج و اعتبار «انجیل برنابای رسول» را از مرتبهی تورات و انجیل فعلی پایین تر نمی آورد، زیرا عین این اشکال ها در آنجا نیز وجود دارد (با این تفاوت که آنها اصلاً قابل پاسخ گفتن نیستند).

هنوز مسیحیان نمی دانند که کتاب های مقدس آنها کدام

است. کتاب مقدس کاتولیک ها مشتمل بر قسمت هایی است که پروتستانی ها آن را قبول ندارند. البته تا سال 1828 آنها با آنان هم صدا بودند. لکن از آن زمان کتاب های مزبور را غیر آسمانی دانستند (قاموس کتاب مقدس کلمه ی «اپوکریفا»).

نه تنها کتاب های عهد عتیق مورد شک قرار گرفته بلکه قسمت های بسیار زیادی از عهد جدید هم مشکوک است از این قرار انجیل مرقس 16: 9-20 و انجیل لوقا 22: 34-44 و انجیل یوحنا 8: 3-12 و رساله به عبرانیان و رساله ی یعقوب و رساله ی دوم پطرس و رساله ی سوم یوحنا و رساله ی یهودا و مکاشفه ی یوحنا. [\(1\)](#)

درباره ی قسمت های مختلف عهدین، مناقشات بسیاری شده است که نقل آن به طول می انجامد.

از خدا می خواهیم به لطف و کرم خویش تمام کسانی را که می اندیشند و چشم خود را می گشایند، به راه راست هدایت فرماید.

ص: 67

1- کتاب «تحقیق المقال» تألیف ظاهر خیرالله شویری لبنانی (از دانشمندان مسیحی) چاپ بیروت 1913 ص 506 - 507 .

1- در تهيه ي مواد اين قسمت از مقدمه ي دكتر خليل سعادت بر ترجمه ي عربي «انجيل برنابا» استفاده شده است.

2- تاريخ كليساي قديم ص 89

3- غنوصي يا گنوسي از كلمه ي گنوسيس يوناني (GNOSIS) گرفته شده و به معنای معرفت است. آنان معتقد بودند كه يك معرفت روحاني وجود دارد كه هر كس نمي تواند به آن برسد. به كلمه ي «گنستيسيسم» لغت نامه دهخدا رجوع شود.

4- مقدمه ي جرح سيل بر ترجمه ي قرآن مجيد ص 10.

5- تاريخ كليساي قديم ص 74 .

6- «درباره ي مفهوم انجيل ها» تاليف كري ولف (ترجمه ي محمد قاضي) ص 93 .

7- اظهار الحق تاليف ملا رحمه الله هندي (چاپ الدار البيضا) ج 1 ص 285 - 288 .

8 و 9 - توضيحات ترجمه ي انگليسي انجيل برنابا (چاپ كراچي 1973) ص 284 .

10- تفسير المنار (چاپ دوم بيروت) ج 9 ص 297 و مقدمه رشيد رضا بر ترجمه ي عربي انجيل برنابا.

11- توضيحات ترجمه ي انگليسي انجيل برنابا (چاپ كراچي 1973) ص 284 .

12 - دائرة المعارف بستانى كلمه ي «برنابا».

13- و همچنين دائرة المعارف آمريكائي (ENCYCLOPEDIA AMERICANA) چاپ 1962 (كلمه ي برنابا).

14- المنجد (قسمت اعلام) كلمه ي فوتيوس و كتاب «مختصر التاريخ الكنسى» (چاپ اورشليم 1889) ص 98-101.

15 و 16- مقدمه ي جرح سيل بر ترجمه ي قرآن مجيد ص 9 و 10.

17- مقدمه ي ترجمه ي انگليسي قرآن مجيد ص 7 و 8 و مقدمه ي مبسوط ص 58 و ترجمه ي قرآن مجيد (حاشيه) ص 38.

18 - المنجد (قسمت اعلام) کلمه ي کریمر .

19 - الرحلة المدرسية تأليف مرحوم علامه ي بلاغي و مقدمه ي دکتر خليل سعادت.

20- توضیحات ترجمه انگلیسی (چاپ کراچی 1973).

21- اقتباس از قرآن مجید درباره ي آن بزرگوار (سوره ي مریم آیه ي 33).

22- میترا در پارسی باستان «مهر» بوده است که نام الهه ي خورشید است.

23- یکی از دوازده برجی که به عقیده ي گذشتگان آفتاب در آنها سیر می کرد نام دیگر آن «عذراء» (باکره) است.

24 - نقل از متن انگلیسی (چاپ هفدهم) ج 8 ص 311.

- 25

26- خود پرستی از کلمه ي عربی «انا» یعنی من.

27- آیه ي آن را پیش از این نقل کردیم.

28 - انجیل های متی ، مرقس و لوقا بخاطر شباهتی که به هم دارد «همنوا» خوانده می شوند.

29- درباره ي شناخت کتاب های مقدس پس از این سخن خواهیم داشت.

30- در کتاب های تاریخ اسلام آمده است که از همسر پیامبر «عایشه» خواستند بطور خلاصه درباره ي «خلق» پیامبر بگویند، او گفت: خلق او قرآن بود (كَانَ خُلُقَهُ الْقُرْآنُ).

31- مقدمه ي دکتر خليل سعادت بر ترجمه ي عربی انجیل برنابا.

32- مدرک پیشین.

33- دانشمند مسیحی و مستشرق بزرگ مرگلیوث (MARGOLIOUTH D.S.) نیز این موضوع را که نام «انجیل برنابا» بین مسلمین نبوده است دلیل آن می داند که اصل آن عربی نبوده است (مقدمه ي دکتر خليل سعادت).

34- پیشتر بتفصیل شرح دادیم .

35- دائرة المعارف آمریکا (کلمه ي برنابا).

36 - مقدمه ي قرآن ص 10 .

37- مقدمه ي ترجمه ي عربي .

38- اما براي اغفال ديگران «تقلب» را جايز مي دانند. در تفسير انجيل متي كه به فارسي به سال 1926 در چاپخانه ي دانشگاه آمريكائي بيروت چاپ شده فراز مورد بحث را حذف کرده و از شر تفسير آن خلاص شده است، البته به گونه يي چشم بندي کرده است كه خواننده به زودي متوجه نمي شود.

39- كتاب «تحقيق المقال» تأليف ظاهر خيرالله شويري لبناني (از دانشمندان مسيحي) چاپ بيروت 1913 ص 506 - 507 .

ص: 69

شناخت نسخه، مؤلف و سیر تاریخی آن 7

برنابا کیست؟ 9

تاریخچه ی اناجیل 14

ایرینا یوس و انجیل برنابا 14

شورای لاودکیه 16

قانون نامه ی کلیساهای غربی 17

انجیل برنابا در کتابخانه ی پاپ داماسوس اول 17

نسخه ای روی سینه ی برنابا در قبر 18

جلاسیون اول انجیل برنابا را تحریم می کند 19

انجیل برنابا در قانون رسولی فوتیوس 19

جلاسیون دوم 20

کتابخانه سکتوس پنجم 20

ترجمه به زبان اسپانیایی 20

تداول انجیل برنابا 21

ترجمه به انگلیسی 23

ترجمه به عربی و پارسی 23

ص: 70

نسخه ی سریانی 25

نسخه ی کتابخانه ی دانشگاه توکیو (ژاپن) 25

x مطالب انجیل برنابا 27

نظری به تعالیم عیسی مسیح علیه السلام 27

تعالیم مسیحیت از کجا سرچشمه گرفته است؟ 30

طومارهای بحرالمیت؟ 31

پولس از نظر برنابا 37

انجیل برنابا به پارسایی دعوت می کند 39

توحید در انجیل برنابا 40

معاد در انجیل برنابا 40

انجیل برنابا در باره ی نماز سفارش می کند 43

برنابا مسیح را پیامبر می شناسد 44

برنابا به دار رفتن عیسی مسیح را انکار می کند 45

انجیل برنابا و چهار انجیل کلیسا 46

پیامبر گرامی گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و

آله و سلم) در انجیل برنابا 49

آیا آمدن پیامبر بزرگ اسلام پیشگوئی شده بود؟

محمد، احمد و تسلی دهنده 50

اوصاف دیگر آن حضرت 51

تلاش مذبحخانه 53

آیا انجیل برنابا به عربی نوشته شده است؟ 53

بستاني چه مي گويد؟ 55

ص: 71

میلر مسیحی 56

قاموس کتاب مقدس چه گفته است؟ 56

پاسخ به چند اشکال 58

آیا انجیل برنابا را تازه مسلمانی نوشته است؟ 58

یوبیل هر صدسال یکبار 61

مسیا و مسیح 63

آیا انجیل برنابا انجیل مسیح است 64

ص: 72

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود.

برای خدمت‌رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبادی - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

